

# کارگر امروز

نشریه انترباشیونالیستی کارگری

**WORKER TODAY**

An Internationalist Worker's Paper

Vol 6, NO 56, Desember 1995

سال ششم، شماره ۵۶، آذر ۱۳۷۴

## خیابانهای پاریس را امواج کارگران معارض به لرزه در آورد



بیش از یک دهه است که تمام احزاب اروپایی از محافظه کار تا سوییال دمکرات برنامه های اقتصادی شان چیزی جز حمله به خدمات اجتماعی و حقوق کارگران نیست. کارگران فرانسه پیشگام مبارزه قاطع علیه برنامه های ریاضت کشی اقتصادی در اروپا شدند تا مهر پایانی بر این دوره بزنند. به همین دلیل است که کل اروپا از راست و چپ با هیجان مبارزه کارگران فرانسه را دنبال می کند. نتیجه این مبارزه تاثیرات بسیاری بر جنبش کارگری دیگر کشورهای اروپایی و همچنین خدمات اجتماعی در این کشورها دارد.

بقیه در صفحه ۵

## اعتصاب ۳۴ هزار کارگر بوئینگ آمریکا ادامه دارد!

روز سه شنبه ۲۱ نوامبر اتحادیه مزبور با اعتصاب کارگران ماشین سازی و هواپیما سازی بوئینگ تولید این کمپانی بطور جدی افت کرده است. بیش از ۶۰ درصد نمایندگان کارگران را شده است. نماینده کارگران اعلام کرد که کارگران فوراً شرایط پیشنهادی خود حاضر نیستند با تغییرات جزئی مدیریت برای قرارداد سه ساله آینده را رد کرد. روز یکشنبه ۱۹ نوامبر با دخالت نماینده دولت، اتحادیه کارگران ماشین سازی و مدیریت بوئینگ در مورد قرارداد جدیدی به توافق رسیدند، اما

بیش از ۳۴ هزار کارگر کارخانه بوئینگ آمریکا، بزرگترین سازنده هواپیما در سطح جهان، روز ۶ اکتبر اعتصاب نا محدودی را برای افزایش دستمزد و شرایط بهتر کار هماهنگ کردند. اعتصاب توسط اتحادیه بین المللی کارگران ماشین سازی و هواپیما سازی که حدود یک سوم از ۱۰۵ هزار کارگر بوئینگ را نماینده کی میکند آغاز شده است. بوئینگ اعلام کرد این به تویید هواپیما های خود ادامه خواهد داد. اما

## اعتصاب کارگران خودروسازان در اعتراض به سیاست بازخرید اجرایی و انتقال به کارخانه زامیاد

\* پاسداران به کارخانه هجوم بردند و ۵ نفر از کارگران را بعنوان محرك اعتصاب دستگیر کردند

هفته آخر تیرماه کارگران کارخانه خودروسازان در اعتراض به سیاست انحلال این کارخانه و بازخرید اجرایی و یا انتقال به کارخانه زامیاد دست به اعتصاب زدند. خبر انتقال کارگران به کارخانه زامیاد در خداد ماه امسال با واکنش شدید و اعتراضی کارگران روپرورد. حتی افزایش مبلغ بازخرید نیز باعث موافقت کارگران با طرح مدیریت نشد. در هفته آخر تیرماه مدیریت به کارگران برای قبول انتقال به کارخانه زامیاد و کار قراردادی در آنجا و دریافت یک ماه حقوق بازخرید اولتیماتوم داد. این اولتیماتوم با اعتصاب کارگران روپرورد. کارگران خواهان امنیت شغلی هستند و طرحهای مدیریت را نمی پذیرند. اعتصاب کارگران با هجوم پاسداران به کارخانه و دستگیری ۵ نفر از کارگران بعنوان محرك روپرورد و خاتمه یافت.

بقیه در صفحه ۲

## با یک درصد هزینه تبلیغات نایکه در آمریکا میشود ذندگی ۱۰ هزار کارگر اندونزیایی را بالای خط فقر برد

صفحه ۷

## نشریه راه کارگر، مبادرات کارگران صنعت چاپ، و تشکیل قانونی

صفحه ۱۲

رضا مقدم

## از گزارش کنفرانسیون اتحادیه های آزاد بین المللی کارگران ایران از حق تشکیل و اعتصاب محروم هستند

صفحه ۲

رضا مقدم در مصاحبه با رادیو انترباشیونال مسئله این نیست که کارگران در سرنگونی دژیم اسلامی چه نقشی دارند، مسئله نقش سرنگونی دژیم در انقلاب کارگری است

صفحه ۲

"تشکیل بیکاران" و "اتحادیه بیکاران"  
گردنستان عراق متعدد شدند

صفحه ۴

تعداد کودکانی که توسط گشت های مرگ در برزیل بقتل می رستند، دائماً رو به افزایش است. بنایه گزارش مندرج در روزنامه "ژورنا دو برزیل" تنها در سال ۱۹۹۴ بیش از ۱۴۰۰ کودک توسط این گشت ها بقتل رسیده اند. این کودکان فاقد خانه و محل زندگی هستند و در خیابانهای شهرهای بزرگ بسر می برند.



رضا مقدم در مصاحبه با رادیو انترناسیونال

## مسئله این نیست که کارگران در سرنگونی رژیم اسلامی چه نقشی دارند، مسئله نقش سرنگونی رژیم در انقلاب کارگری است

متن زیر تلخیص شده مصاحبه رضا مقدم با رادیو انترناسیونال در سوئد است که بمناسبت اول ماه مه ۹۵ انجام شد.

بگویم که به طور یکجانبه نباید از هر اعتراض خارج از اتحادیه علیه اتحادیه استفاده کرد. خود اتحادیه ها پشت بسیاری از این اعتراضات خارج اتحادیه ای هستند و از آن بعنوان سیاست اعتراض استفاده می کنند. اتحادیه ها علناً و رسماً چیزی در دفاع از این اعتراضات نمی گویند تا کارفرمها بتوانند آنرا علیه اتحادیه در دادگاه و یا در مراجعت که به این اختلافات رسیدگی می شود، مطرح و شکایت کنند. این نکته را گفتم تا تفاوت ما را با چپ حاشیه ای روشن کنند. ما باید انتقاد اتمان به اتحادیه را سر جای درستش بگذاریم. به مهمترین چیزهایی که آنها خودشان نقطه قوتشان می دانند انتقاد کنیم. درباره تلاشهایی که در اتحادیه ها دیده می شود باید بگویم اینها من تواند بیشتر تاکتیکی باشد. بعنوان مثال امسال در سوئد و نروژ چندین اتحادیه خواستار این شده اند که مستقل از احزاب سوسیال دمکرات تظاهرات اول ماه مه را برگزار کنند. البته این در تاریخ این دو کشور بی سابقه است. با این حال میتواند نشان دهنده چیزی جز این باشد که رهبری اتحادیه در دوره ای که سوسیال دمکراسی و تصمیماتش محبوب نیست می کوشد تا تاحدی از ظاهر شدن در کنار سوسیال دمکراسی اجتناب کند و یک بالانسی بوجود بیاورد. خود این می تواند طرحی برای دور کردن سوسیال دمکراسی از حمله کارگران و منتظر محظوظ شدن مجلد سوسیال دمکراتها باشد. آن چیزی که به برپایی یک جنبش رادیکال در اتحادیه ها کمک می کند یک مبارزه نظری علیه پایه های اساسی سوسیال دمکراسی و نظام سرمایه داری است و نه اینها. اینها می توانند نشانه وجود نارضایتی باشد و نشان بدند که شرایط وجود دارد که یک جنبش رادیکال درون اتحادیه می تواند شکل بگیرد.

اجازه بدهید به جنبش کارگری ایران بروگدیم. یک مختصری، هر طور که خودتان بهر حال می دانید در مورد جنبش کارگری ایران و موقعیت فعلی اش صحبت بکنید. در دوره گذشته خود کمالی وزیر کار و سران جمهوری اسلامی به تعداد بسیار زیادی از اعتراضات کارگری در ایران اشاره داشتند. در شرایطی که حق تشکل و اعتساب در ایران نیست و اخیراً هم باصطلاح شاهد یک موج مبارزات کارگری و همچنین دستگیری ها بودیم. سوال اینست که کلا جنبش کارگری در ایران در چه موقعیتی است و مهمترین خواسته ها و مطالبات آن به چه ترتیب است؟

در رابطه با وضع طبقه کارگر و جنبش کارگری به چیزهای زیادی می شود اشاره کرد. دستمزد کم، فقدان حق تشکل و اعتساب، نقش شوراهای اسلامی علیه کارگران و مبارزات آنها، وضع بیمه ها، بسته شدن کارخانجات بعلت ناتوانی رقابت با کالاهای خارجی یا کمبود مواد اولیه و اخراج کارگران، اخراج کارگران بزای فروش کارخانجات دولتی که تحت عنوان طرح تعديل نیروی انسانی انجام می شود و سال گذشته تقریباً صد و پنجاه هزار کارگر را اخراج کردند. تحت این عنوان می شود به بیکاری چند میلیونی کارگران و اینکه بیمه یکاری جمهوری اسلامی که متشتم خیلی محدود است یعنی حدود ۶ ماه، و فقط به تزدیک چهل هزار نفر تعلق گرفت اشاره کرد. اما من می خواهم راجع به مسئله دستمزد صحبت کنم. دستمزدها کم است و این مهمترین مسئله روز جنبش کارگری است. کارگران ایران کوچکترین دخالتی در تعیین دستمزدهای خودشان ندارند. حداقل دستمزد هر ساله توسط شورایعالی کار تعیین می شود که کارگران هیچ نقش و قدرتی در آن ندارند. خود تصمیمات این شورا تابع بقیه در صفحه ۴

شرایط امروز در مقابل این تعوض و تداومش بایستد؟

اتحادیه کارگری در کشورهایی که شما نام بردید در ارتباط تزدیکی با سوسیال دمکراسی هستند، افق و سیاست این اتحادیه ها توسط احزاب سوسیال دمکرات فرموله و تعیین می شود. با سقوط بلوک شرق خود سوسیال دمکراسی و جامعه رفاه زیر ستوان رفته است. سوسیال دمکراسی در بحران است. اینها در تلاشند خودشان را در جهان یک قطبی باز تعریف کنند و بگویند به کجا این جامعه مربوط هستند و پاسخ به کدام معضلات و چه نیازهای اجتماعی ضرورت وجودیشان را تشکیل میدهد. بحران اتحادیه ها تحت تاثیر همین بحران است و تا وقتی سوسیال دمکراسی نتواند از این بحران بیرون بیاید، اتحادیه کارگری هم از این بحران بیرون نمی آیند. این درجه ای از ناسیونالیسمی که در اتحادیه ها می بینیم همان ناسیونالیسمی است که در سوسیال دمکراسی وجود دارد. زاه برون رفت از این وضع بزین از سوسیال دمکراسی، و آنرا محدود می کنند، بطور مثال اخیراً رئیس اتحادیه های کارگری نروژ گفته است که اعتساب کردن در نروژ خیلی آسان است که معنایش تلاش برای محدود کردن حق اعتساب در نروژ است. در کشورهای موسوم به جهان سوم کارگران دارند برای حق اعتساب مبارزه می کنند. در کشورهای اروپا و آمریکا و کانادا دارند به حق اعتساب حمله می کنند و آنرا محدود می کنند، بهزین از سوسیال دمکراسی، و آنرا محدود می کنند، بطور مثال اخیراً رئیس اتحادیه های کارگری نروژ گفته است که اعتساب کردن در نروژ خیلی آسان است که در نروژ تلاش برای محدود کردن حق اعتساب در نروژ است. در کشورهای موسوم به جهان سوم کارگران دارند برای حق اعتساب مبارزه می کنند. بنا براین به یک نوعی مسائلی که کارگران دارند برای آن مبارزه می کنند دارند بهم تزدیک می شود. بعنوان مثال در سوریه سابق، ملعنچیان چهار ماه است دستمزدشان را نگرفته اند و اعتصاب و مبارزات آنها بمنطقی که در تلاش برای محدود کردن حق اعتساب در نروژ تراویث می کنند. از این نظر می شود تشخیص داد که چقدر سطح معیشت کارگران پائین آمده است. در کشورهای اروپایی اساساً مسئله بستن کارخانه ها و انتقال آنها به کشورها و یا میانطقی که دستمزد کارگران ارزانتر است و کارگران بی حقوق ترند جریان دارد. بایستی اینرا بگویم که هم اکنون مانند دهه ۶۰ یا دهه ۷۰ نیست که اگر بعنوان مثال جنرال موتورز در یکی از کشورهای جهان سوم کارخانه ای باز می کند هدفش گسترش سرمایه و دستمزد کارگران را بازار جدید است، بلکه آنها کارخانه هایی در اروپا این انتقال سرمایه همراه خودش اخراج و بیکاری را بینبال دارد. سرمایه داران روسا از کارگران می خواهند که یا به کاهش دستمزدها رضایت دهند و یا اینکه کارخانه بسته می شود و به جای دیگر منتقل می شود. با سقوط بلوک شرق کشورهای اروپای شرقی در صف ایستاده اند تا سرمایه ها را به خود جلب کنند. با این اوضاع آنچه که جنبش اتحادیه ای دارد به آن تزدیک می شود اینست که برای دفاع از سطح معیشت و دستمزد کارگران در یک کشور مثلاً در اروپا، آمریکا و یا کانادا اند. مبارزه می بینیم، از یکطرف یک تلاش برای جمع شدن سرمایه و قطبی شدن در مقیاس منطقه ای، بعنوان مثال در آمریکای شمالی نفتا، در اروپا یک روی دیگر هم دارد. تلاشهایی در جریان همین سوئد، تشكیلهای جدیدی بوجود آید.

یک بخش حرکت اتحادیه ها همانطور که اشاره می کنید از سوسیال دمکراسی الهام می گیرد و بیشتر مبارزه کارگری را فیلتر می کند، اما در عین حال خیلی جایا اعتصابات موسوم به وحشی و فرا قانونی را بهر حال می شود دید، از تاکتیکهای کارگری می شود بهزین در جنگ کارگری و آنرا آزاد اسم رمزی بود برای حمله به سطح معیشت و حقوق کارگران در این کشور. این از موقعیت فعلی جنبش کارگری، اما جنبش کارگری و آمریکا و آنرا تا چه حدی به آن تزدیک می کند؟

اول می خواهم یک چیزی در مورد آن اعتصابات خارج از اتحادیه ای که به اعتصابات وحشی معروف است بگویم. چیزی همیشه از اعتصابات خارج از اتحادیه دفاع کرده اند و به اتحادیه ها انتقاد کرده اند که چرا از این اعتصابات حمایت نمی کنند. این بعضاً درست است. ولی باید یک چیزی را در نظر داشت که اتحادیه ها بطور رسمی با کارفرمها دارای قراردادهای دسته جمعی هستند. اعتصاب در دوره قرارداد من نوع است. بنابراین اگر یک بخشی از کارگران دست به اعتصاب می زندند خود اتحادیه رسمیت در سیاست اتحادیه ها خیلی قوی شده است و برخلاف دوره گذشته و یا اوائل قرن که شما اشاره می کنید می بینیم سیاست حفظ خود، فقط دستاوردهای کشوری و محدود بکشور خود بیشتر در سریوجه قرار گرفته است. من سوال این بود که در این اوضاع کلا جنبش کارگری جهانی را به می خواهم که اینچه اتفاق بگیرد. آنها از دوره ای صحبت می کنند به این دوره رونق بخوب گسترش یابد و در دوران رونق کاهش یابد. آنها از دوره ای صحبت می کنند معنی که دیگر مثل سابق نیست که بیکاری در دوران بحران گسترش یابد و پس از دوران رونق کاهش یابد. اینکه کارگران امکان دارند می توانند دستمزد کارگران را به کاهش دستمزد یا انتقال کارخانه تهیید کنند.

مسئله دیگر رشد عظیم تکنولوژی است که باعث شده است همان تولید یا کارگران از یک کمتری انجام شود. خود سرمایه داران از یک دوره رونق بخوب شغل صحبت می کنند به این دوره رونق باشند یا بیکاری در دوران رونق گسترش یابد و در دوران رونق کاهش یابد. آنها از دوره ای صحبت می کنند معنی که می توانند دوران رونق باشند یعنی سرمایه ها از مقدار سود خود راضی باشند، بلون اینکه بیکاری کاهش پیدا کند و پائین بیاید. مسئله دیگر طرح اعتصاب پنیری است. این طرح به سرمایه داران امکان داده است که محدودیت روزگار را که کارگران خیلی برایش مبارزه کرده اند از بین برند، در خیلی رشته ها حتی کار

با خوش آمد به شما، با توجه به تحولات بین المللی سالهای اخیر از جمله پایان جنگ سرد و تلاش سرمایه داری جهانی برای آرایشی نوین که بهر حال یک وجه این تحولات تعرض به حقوق کارگری و حقوق مدنی در جامعه بوده است، موقعیت جنبش کارگری را در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا، حداقل مهمترین شان چگونه ارزیابی می کنید؟

طی سالهای اخیر حملات زیادی به جنبش کارگری شده است. از جمله حقوق اتحادیه ای کارگران کاهش یافته، دستمزدها کم شده، بیکاری به شدت افزایش پیدا کرده است. در این مدت سرمایه داران توانستند طرح اعتصاب پنیری را به اتحادیه ها در خیلی از کشورهای اروپایی ایجاد کردند. یکی از مهمترین مسائل جنبش کارگری بیکاری است. طبق آمار خود سازمان جهانی کار هم اکنون نزدیک ۳۰ درصد نیروی کار جهان که حدود ۸۲۰ میلیون نفر می شود بیکار هستند که طبعاً معیشت این میلیون نفر بعده کارگرانی است که کار می کنند. از این نظر می شود تشخیص داد که چقدر سطح معیشت کارگران پائین آمده است. در کشورهای اروپایی اساساً مسئله بستن کارخانه ها و انتقال آنها به کشورها و یا میانطقی که دستمزد کارگران ارزانتر است و کارگران بی حقوق ترند جریان دارد. بایستی اینرا بگویم که هم اکنون مانند دهه ۶۰ یا دهه ۷۰ نیست که اگر بعنوان مثال جنرال موتورز در یکی از کشورهای جهان سوم کارخانه ای باز می کند هدفش گسترش سرمایه و دستمزد کارگران را بازار جدید است، بلکه آنها کارخانه هایی در اروپا این انتقال سرمایه همراه خودش اخراج و بیکاری این انتقال را بینبال دارد. سرمایه داران روسا از کارگران می خواهند که یا به کاهش دستمزدها رضایت دهند و یا اینکه کارخانه بسته می شود و به جای دیگر منتقل می شود. با سقوط بلوک شرق کشورهای اروپای شرقی در صف ایستاده اند تا سرمایه ها را به خود جلب کنند. با این اوضاع آنچه که جنبش اتحادیه ای دارد به آن تزدیک می شود اینست که برای دفاع از سطح معیشت و دستمزد کارگران در یک کشور مثلاً در اروپا، آمریکا و یا کانادا اند. مبارزه می بینیم، از یکطرف یک تلاش برای جمع شدن سرمایه و قطبی شدن در مقیاس منطقه ای، بعنوان مثال در آمریکای شمالی نفتا، در این از خواهند که یا به کاهش دستمزدها رضایت دهند و یا اینکه کارخانه بسته می شود و به جای دیگر منتقل می شود. با سقوط بلوک شرق کشورهای اروپای شرقی در صف ایستاده اند تا سرمایه ها را به خود جلب کنند. با این اوضاع آنچه که جنبش اتحادیه ای دارد به آن تزدیک می شود اینست که برای دفاع از سطح معیشت و دستمزد کارگران در یک کشور مثلاً در اروپا، آمریکا و یا کانادا اند. مبارزه می بینیم، از یکطرف یک تلاش برای جمع شدن سرمایه و قطبی شدن در مقیاس منطقه ای، بعنوان مثال در آمریکای شمالی نفتا، در این از خواهند که یا به کاهش دستمزدها رضایت دهند و یا اینکه کارخانه بسته می شود و به جای دیگر منتقل می شود. با سقوط بلوک شرق کشورهای اروپای شرقی در صف ایستاده اند تا سرمایه ها را به خود جلب کنند. با این اوضاع آنچه که جنبش اتحادیه ای دارد به آن تزدیک می شود اینست که برای دفاع از سطح معیشت و دستمزد کارگران در یک کشور مثلاً در اروپا، آمریکا و یا کانادا اند. مبارزه می بینیم، از یکطرف یک تلاش برای جمع شدن سرمایه و قطبی شدن در مقیاس منطقه ای، بعنوان مثال در آمریکای شمالی نفتا، در این از خواهند که یا به کاهش دستمزدها رضایت دهند و یا اینکه کارخانه بسته می شود و به جای دیگر منتقل می شود. با سقوط بلوک شرق کشورهای اروپای شرقی در صف ایستاده اند تا سرمایه ها را به خود جلب کنند. با این اوضاع آنچه که جنبش اتحادیه ای دارد به آن تزدیک می شود اینست که برای دفاع از سطح معیشت و دستمزد کارگران در یک کشور مثلاً در اروپا، آمریکا و یا کانادا اند. مبارزه می بینیم، از یکطرف یک تلاش برای جمع شدن سرمایه و قطبی شدن در مقیاس منطقه ای، بعنوان مثال در آمریکای شمالی نفتا، در این از خواهند که یا به کاهش دستمزدها رضایت دهند و یا اینکه کارخانه بسته می شود و به جای دیگر منتقل می شود. با سقوط بلوک شرق کشورهای اروپای شرقی در صف ایستاده اند تا سرمایه ها را به خود جلب کنند. با این اوضاع آنچه که جنبش اتحادیه ای دارد به آن تزدیک می شود اینست که برای دفاع از سطح معیشت و دستمزد کارگران در یک کشور مثلاً در اروپا، آمریکا و یا کانادا اند. مبارزه می بینیم، از یکطرف یک تلاش برای جمع شدن سرمایه و قطبی شدن در مقیاس منطقه ای، بعنوان مثال در آمریکای شمالی نفتا، در این از خواهند که یا به کاهش دستمزدها رضایت دهند و یا اینکه کارخانه بسته می شود و به جای دیگر منتقل می شود. با سقوط بلوک شرق کشورهای اروپای شرقی در صف ایستاده اند تا سرمایه ها را به خود جلب کنند. با این اوضاع آنچه که جنبش اتحادیه ای دارد به آن تزدیک می شود اینست که برای دفاع از سطح معیشت و دستمزد کارگران در یک کشور مثلاً در اروپا، آمریکا و یا کانادا اند. مبارزه می بینیم، از یکطرف یک تلاش برای جمع شدن سرمایه و قطبی شدن در مقیاس منطقه ای، بعنوان مثال در آمریکای شمالی نفتا، در این از خواهند که یا به کاهش دستمزدها رضایت دهند و یا اینکه کارخانه بسته می شود و به جای دیگر منتقل می شود. با سقوط بلوک شرق کشورهای اروپای شرقی در صف ایستاده اند تا سرمایه ها را به خود جلب کنند. با این اوضاع آنچه که جنبش اتحادیه ای دارد به آن تزدیک می شود اینست که برای دفاع از سطح معیشت و دستمزد کارگران در یک کشور مثلاً در اروپا، آمریکا و یا کانادا اند. مبارزه می بینیم، از یکطرف یک تلاش برای جمع شدن سرمایه و قطبی شدن در مقیاس منطقه ای، بعنوان مثال در آمریکای شمالی نفتا، در این از خواهند که یا به کاهش دستمزدها رضایت دهند و یا اینکه کارخانه بسته می شود و به جای دیگر منتقل می شود. با سقوط بلوک شرق کشورهای اروپای شرقی در صف ایستاده اند تا سرمایه ها را به خود جلب کنند. با این اوضاع آنچه که جنبش اتحادیه ای دارد به آن تزدیک می شود اینست که برای دفاع از سطح معیشت و دستمزد کارگران در یک کشور مثلاً در اروپا، آمریکا و یا کانادا اند. مبارزه می بینیم، از یکطرف یک تلاش برای جمع شدن سرمایه



# خیابانهای پاریس را امواج کارگران معارض به لرزه در آورد

کرد وزیر مزبور "آلن مادلین" مجبور به استعفا گردید. ۲۹ نوامبر، کارگران پست و در ۳۰ نوامبر کارگران برق و گاز نیز به اعتراض پیوستند. در دوم دسامبر اتحادیه ها دولت را به اعتضابات و سیعتری تهدید کردند و دولت اظهار داشت که علیه اعتضابیون ارتش را به خیابانها خواهد آورد. در ۵ دسامبر کارگران کارخانه رنو و معلمان و کارگران مهد کوکها به اعتضاب پیوستند. رسانه های عمومی اعلام کردند که ۶۰ درصد مردم از اعتضابات حمایت می کنند.

۷ دسامبر کارگران ایرفرانس به اعتضاب پیوستند. بیش از ۳ میلیون نفر در اعتضاب هستند و بیش از ۱/۳ در تظاهرات خیابانی شرکت کردند. اتحادیه های کارگری برای ۱۱ دسامبر فراخوان اعتضاب داد اند و انتظار می رود بسیار وسیعتر از تظاهرات ۷ دسامبر باشد.

بیش از یک دهه است که تمام احزاب اروپایی از محافظه کار تا سوسیال دمکرات برنامه های اقتصادی شان چیزی جز حمله به خدمات اجتماعی و حقوق کارگران نیست. کارگران فرانسه پیشگام مبارزه قاطع علیه برنامه های ریاضت کشی اقتصادی در اروپا شدند تا مهر پایانی بر این دوره بینند. به همین دلیل است که کل اروپا از راست و چپ با هیجان مبارزه کارگران فرانسه را دنبال می کند. نتیجه این مبارزه تاثیرات بسیاری بر جنبش کارگری دیگر کشورهای اروپایی و همچنین خدمات اجتماعی در این کشورها دارد. \*

## کارگران انگلیس و مبارزه بر سر کاهش ساعت کار!

چشمگیری نداشته است و ساعت کار تغییری نکرده است. رهبر اتحادیه حمل نقل میگوید کارگران نمایندگی میکند اعمال کرد که خواستار دو ساعت کاهش ساعت کار در هفته کار میکنند ساعات کار طولانی تری نسبت به همکاران خود در سایر کشورهای اروپائی دارند. حد اکثر ساعت کار در کارخانه های فورد در آلمان ۳۲ ساعت در هفته است اما بعضی از کارخانه ها از هم اکنون ۲۵ ساعت کار در هفته را آغاز کرده اند. \*

## آرژانین:

بنایه فراخوان بزرگترین اتحادیه کشور آرژانین صدها هزار کارگر این کشور روز پنج شنبه ۷ سپتامبر دست به اعتضاب نیمزوجه زدند. این اعتضاب در اعتراض به رقم بالای بیکاری در این کشور که ۱۸/۷ درصد از نیروی کار این کشور را تشکیل می دهد، صورت گرفت. تعداد بیکاران در آرژانین طی چهار سال گذشته به ۳ برابر رسیده است. \*

کارگران در این روز برنامه دولت مبنی بر تغییر شرایط پرداخت حق بازنیستگی به کارگران بخش عمومی از بعد از ۳۷/۵ سال کار به ۴۰ سال را مورد اعتراض قرار دادند.

۲۸ نوامبر - اعتضاب ده ها زمانه نفره کارگران در این روز نیز ادامه یافت. کارگران راه آهن به همراه پیشگان و دانشجویان در صفو ده ها هزار نفری در خیابانهای پاریس و دیگر شهرهای بزرگ فرانسه دست به تظاهرات اعتراضی زدند. تظاهر کنندگان علیه دولت محافظه کار شیراک شعار میدانند و بر ادامه مبارزه تا عقب نشینی کامل دولت تأکید می کرند.

با نمایش عظیم قدرت کارگران اکنون طرح دولت راه آهن از دستمزد و مزایای کارگران با موانع جدی روپرور شده است. کارگران مصمم هستند که برنامه آلن ژویه نخست وزیر دولت محافظه کار را به شکست بکشانند. کارگران میگویند اعتضابات تا عقب نشینی دولت از طرح خود ادامه خواهد یافت. طرح دولت از جمله خصوصی کردن بخششای دولتی نظیر ترانسپورت و کاهش خدمات اجتماعی را در بر دارد و مستقیماً طبقه کارگر، بازنیسته ها و خانواده های دارای فرزند و دانشجویان را هدف حمله قرار داده است.

در ماه اوت گذشته با اعتراض کارگران به طرح وزیر دارائی که گفته بود در بخش دولتی تعداد زیادی از کارگران را بیکارخواهد

منظور کاهش کسری بودجه دولت دستمزد کارگران خدمات و بخش دولتی را در سال آینده افزایش نخواهد داد. با اعلام شروع اعتضاب وزیر خدمات شهری فرانسه در تلویزیون ظاهر شد و بسته شد. پست فرانسه فلچ گردید. اعتضاب مخابرات راه دور به دلیل شدید. حتی از کارگران بازداشتند. با اختلالات جدی تا حد توقت مواجه را در مورد پرداختها محترم میشمارد و حاضر است هم اکنون برای افزایش دستمزدها در سال ۹۷ و ۹۸ با اتحادیه شدند. حتی وزارت خانه ها و اداره مالیات و سالنهای شهری از تاثیر تعطیل و تعلیق فعالیتهاشان روبرو شدند. بودن آن درست از نقطه ای در انجام دستمزد ها ابراز داشتند. راهپیمایی کارگران به دلیل سمبیلیک بودیکی زندان باستیل که راهپیمایی آغاز انقلاب کبیر فرانسه شروع شده آنها با اختلال جدی مواجه شد.

علاوه بر بخش عمومی بسیاری از موسسات خصوصی نیز به دلیل تاثیر اعتضاب بخش عمومی تعطیل گردیدند.

این اعتضاب و حرکت قدرتمند

بعلاوه کارگران کنترل هوایی فرودگاهها نیز در این روز دست از کارگران

توقف و تعطیل قطارهای مسافرتی،

ویژگی در سال ۹۶ صورت

وزیر فرانسه اعلام کرده است که به

علاقه میگیرد. حکومت آلن ژویه نخست

وزیر فرانسه اعلام کرده است که به

از پازده خط متربوی پاریس دوازده خط بکلی بسته شد. خطوط ترتهای

کشیده شد. این بزرگترین اعتضاب

کارگران بخش عمومی در ده سال

گذشته بود. این اعتضاب با تصمیم

مشترک فرانسه و سراسری

فرانسه و دو اتحادیه بخش عمومی

برگزار شده است. این بزرگترین عمل

متعدد اتحادیه ها در ده سال گذشته

است.

از پازده خط متربوی پاریس دوازده

خط بکلی بسته شد. خطوط ترتهای

## نشستات دیلده:

\* نامه مردم، ارگان مرکزی  
حزب توده ایران، شماره های ۴۰۵  
۴۶۶

\* جهان امروز، شماره های ۹ و ۱۱  
تا ۱۲

\* راه آینده، شماره های ۸  
کارگر تبعیدی، ارگان

انجمن کارگران پناهندگان و مهاجر  
ایرانی، شماره ۳۱

\* الفدراسیون سراسری شوراهای  
پناهندگان و مهاجرین

عراقی شماره ۷

\* کردستان، ارگان کیته

مرکزی حزب دموکرات کردستان

ایران، شماره های ۲۲۱ تا ۲۲۵

\* نبرد خلق، ارگان سازمان  
چرکهای فنایی خلق ایران، شماره  
های ۱۲۱ تا ۱۲۵

\* دفترهای اتحادیه کارگری

سوسیالیستی، نشریه کارگری

سوسیالیستهای انقلابی ایران،

شماره ۲۸

\* کمون، ارگان سیاسی،

تیوریک شورای کار، شماره ۴

و ۵

\* مهرگان، نشریه فرهنگی،

سیاسی، شماره های ۱ و ۲

# کارگر سوسیالیست، نشریه

اتحادیه سوسیالیست های انقلابی

ایران شماره های ۲۹ و ۳۰

\* رسالت ما، پاسخ به

سرنوشت مشترک ماست

\* آوریل، ارگان جنبش

مردمی ارامنه شماره ۳۰

\* حقوق بشر، نشریه جامعه

دفاع از حقوق بشر در ایران

شماره ۲۶

\* گزاره، ارگان خبری جامعه

دفاع از حقوق بشر شماره های

۱۲ تا ۱۰

## گمکهای هالی

\* احمد و مهین: ۵ مارک، \*  
شیرین و غفار غلام ویسی ۵۰۰  
کرون «ماههای ژوییه تا نوامبر» \*  
پیمان سیاسی ۲۰۰ فرانک

## پاسخ به نامه ها

\* دوست عزیز پیمان سیاسی، با  
تشکر ۲ نامه ارسالی شما و همچنین  
۲۰۰ فرانک کمک مالی دریافت شد،  
اسم شما از این شماره در لیست  
اسپاسورهای کارگر امروز آمد است،  
کارگر امروز از شماره ۵۵ به آدرس  
شما ارسال شد، کمک مالی خود را  
به همین طبقی که تاکنون فرستاده  
اید کماکان می توانید بفرستید،

\* دوست عزیز حکمت یار \* سامک  
بهاری \* رضا شهرستانی ۲ نامه \*  
داریوش رهایی \* جلال محمد

زاده \* جمال صابری \* سیامک  
حمیدی ۲ نامه \* بیژن هدایت

۲ نامه \* بهروز ناصری ۲ نامه \*  
نامه \* مهدی ظاهري \* رستگار  
شیبان \* سهیلا \* امجد احمدی

\* احسان کاره ۲ نامه \* محمود  
قریونی \* غلام ۲ نامه \* مسعود

مرسله جوادی \* اسد تو دیشان ۲

\* نامه \* علیجانی \* سجده

موخته بادی \* شمسه حکیمی \*  
ژریا شهابی \* آلان بیکی \* خسرو

صادقپور \* ناصر اصغری \* رضا  
پایا \* اسماعیل \* ایرج \* ملیح  
مسیو نشریه نبرد خلق \* هیئت

ملیه رادیو اندیشه \* احمد هدایت  
\* اسی \* محمد محمدی \* محمد

کرمی \* سوسن بهنام \* بهرام  
رحمانی \* غفار غلام ویسی \*

پرویز کاوان \* عبدالله صیدمدادی  
\* مسعود رازی \* علی موسیوند

\* بهزاد بارخانی \* نرگس نورایی

\* جاوید سلامی \* محمد کاظمی

\* فواد درویش \* ظاهر

خود را برای سایه بفرستید.

## بیاد "مادر جوائز"

"ماری هاریز" (مادر جوائز) در سال ۱۸۳۰ در ایرلند در خانواده فقیر کلیساپی که ماری اسکان داده شده بود، برگزار می‌کرد. پدر ماری مانند پدر بزرگش به جنبش ضد فتوvalی پیوست. زمانیکه ماری ۲ ساله بود، گذراند و به صحبت های سخنرانان کودکان کارگر را که در شرایط بسیار سخت و نالمتی کار می‌کردند جمع کرد و بهمراه آنها بقصد دیدار رئیس جمهور وقت "تندور روزولت" دست به راه پیشانی از شهری به شهر دیگر زد. راهپیمایی کودکان کارگر مورد استقبال زیادی قرار گرفت. هفقاتان در جاده

بیانیه های کار" جلسات خود را در خانه نیمه سوخته ای در نزدیکی کلیساپی که ماری اسکان داده شده بود، برگزار می‌کرد. ماری از آن پس شیها را در جلسات اتحادیه می‌پیوست. زمانیکه ماری ۲ ساله بود، پدر بزرگش دستگیر و به دار آلوخته شد. روز سریازان انگلیسی با در دست داشتن سر تیزه که بر آنها سرهای شورزیان قرار داشت، از خاطرات دوزان کودکی ماری بود: طولی نکشید که همان سریازان برای شکار پسر مازی به منزلشان هجوم آوردند. اما پدر ماری با یک قایق مامیگیری به کانادا گریخت و توانست جان خود را نجات دهد.

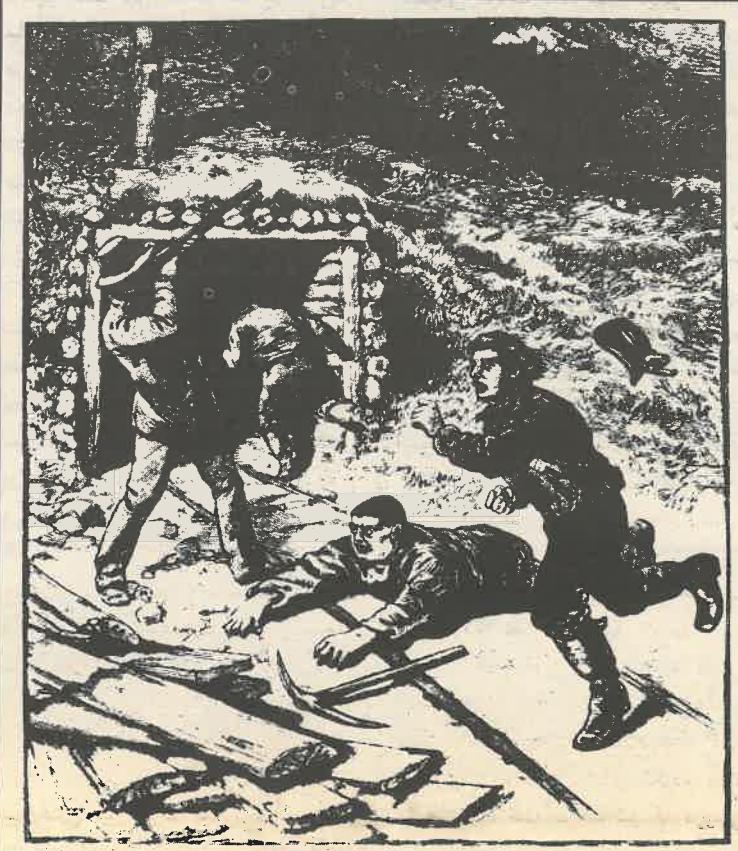
وی عضو "شوالیه های کار" شد. از آن تاریخ ماری ۶۰ سال باقی مانده از عمرش را وقف مبارزات کارگری کرد. همه جا از وی یعنوان سازمانده اعتصابات، مشاور و سخنران یاد می‌شد. ماری با چشم کوچکش مورد احترام و قبول کارگران معادن و راه آهن بود و اینها بودند که به وی لقب "مادر جوائز" را دادند.

برای آشنایی با شیوه کار "مادر جوائز" می‌توان از اعتصاب کارگران معلم در "ماری لند" نام برد. در یک معلم از اعتصاب یک لوکال برای تجمع کارگران ممانعت شد. داشتن لوکال برای جذب اعضا بیشتر به اتحادیه و پیروزی اعتصاب کارگران لازم و مهم بود. مادر جوائز به یک شهر معنی نزدیک که همه کارگرانش، متشكل بودند، رفت. وی از همسران کارگران معلم خواست که فرزنانشان را به همسران خود بسپارند و با ملاقه و ظروف آشپزخانه بهمراه او به شهر "ماری لند" بیایند. همسران معلمچیان پس از پشت سر گذاشتن

ماری در سن ۳۱ سالگی با یک کارگر فلزکار ازدواج کرد. همسر وی "جورج جوائز" عضو اتحادیه بود و از این طریق ماری به تشکل یابی کارگران علاقمند شد. اما پس از ۶ سال فرزنانشان را به همسران خود بسپارند و بازیاری وبا فوت کردند.

ماری پس از دست دادن همسر و فرزندش به شیکاگو مهاجرت کرد و بهمراه یکی از دوستانش به کار خاطی برای ثروتمندان پرداخت. در سال ۱۸۷۱ بوبیک ماری و دوستش در آتش سوزی بزرگ شیکاگو از بین رفت و بین ترتیب همه سرمایه شان را از دست دادند.

ماری و دوستش بهمراه هزاران نفر دیگر که در جریان آتش سوزی بی مسکن شده بودند، در کلیساها اسکان داده شدند. تنها تشکل کارگری موجود آن زمان



کودکان سیاه در ازای پول نقد بفروش می‌رفتند. امروز کودکان سفید به اقساط فروخته می‌شوند.

من از رئیس جمهور می‌خواهم این کودکان را از طلسم سرنوشت درداشتن رها کند. مشکل واقعی اینست که کسی بعرف افشار پانین جامعه توجهی ندارد. خود من شاهد بودم چگونه قانونگذاران، ۳ قانون که شرکت راه آهن را تقویت می‌کرد طرف یکساعت تصویب کردند. اما هیچکنی به فریادهای کارگران گوش نمی‌دهد.

یکبار از یک زندانی پرسیدم چرا دستگیر شده است. او گفت که یک جفت کفش دزدیده است. به او گفتم اگر بجای یک جفت کفش شرکت راه آهن را می‌درزد به مقام سناخواری می‌رسیدی. گفته می‌شد. هر پسر بچه در آمریکا امکان رسیدن به مقام ریاست جمهوری را دارد. من می‌گویم هر کلام از بچه های در قفس حاضرند این شناس را با یک وعده غذا و امکان برای بازی کردن عوض کنند.

روزولت نه تنها حاضر به ملاقات با مادر جوائز و کودکان کارگر نشد، بلکه حتی پاسخ نامه وی را هم نداد. اما بدليل تلاش و افسارگری های مادر جوائز توجه مردم به جنایات علیه کودکان جلب شد. و طولی نکشید که قانونگذاران در پنسیلوانیا قانونی مبنی بر منوعیت کار کودکان زیر ۱۴ سال تصویب کردند و بین ترتیب کودکان از پشت ماشین های پاندگی و دارهای قالی به خانه هایشان فرستاده شدند.

مادر جوائز مورد اذیت و آزار، تهیید و ناسرا در مطبوعات قرار گرفت و حتی به زندان انداده شد. اما هیچ چیز مانع مبارزه وی نشد. مادر جوائز خستگی نایاب نیز بود. مادر جوائز آخرین سخنرانی خود را در کنگره معدنچیان در سال ۱۹۳۰، روزی که ۱۰۰ ساله شد، انجام داد. مادر جوائز فقط محرك مستقیم مبارزات کارگری نبود، بلکه اینجا مادر جوائز داری جریان داشت و بسیاری از همیشه اینجا مادر جوائز داشت. اما هیچ چیز مانع مبارزه وی نشد. مادر جوائز ۵۰ سال پیش مبارزات وسیعی علیه برد و دستهای پینه بسته کودکان دادند. مادر جوائز در میان انبوهی از جان خود را در این مبارزات از دست دادند. مادر جوائز در شهر نیویورک سخنرانی کرد و دستهای پینه بسته کودکان بعنوان برد در بازارها خرید و فروش می‌شدند. امروز کودکان سفید در ازای ۱۲ ساعت کار ۲ دلار دستمزد دریافت می‌کنند. ۵۰ سال پیش

بود، دعوت شد. مادر جوائز در پایان نمایشگاه برای شرکت کنندگان سخنرانی کرد. وی خود در این باره می‌نویسد: "من کودکان کارگر را داخل قفسهای کوچک کردم. و در حالیکه آنها خود را به در و دیوار قفس می‌کوییند به حاضرین گفتم که این تصویر واقعی از موقعیت طبقه کارگر در جامعه ماست. سخت و نالمتی کار می‌کردند جمع ما می‌خواهیم "رزویت" صدای شیون کودکان کارگر که هرگز امکان مدرسه رفتن را ندارند و باید ۱۲ - ۱۱ ساعت کار کنند را بشنو: شیون کودکانی که قالی های زیر پای رئیس

کنندگان در تظاهرات هبستگی با مبارزات کارگری منعو است.

### کاهش اعضا اتحادیه ها بمیزان ۳۳ درصد

در باره اتحادیه ها ترسا چنین می‌گوید: "قوانین ضد اتحادیه ای برای جنبش کارگری بمعنی کاهش اعضا اتحادیه ای از ۱۳ میلیون به ۷ میلیون از سال ۱۹۷۹ به این طرف بوده است. بعارت دیگر اعضا اتحادیه ها در ۲۳ درصد کاهش یافته است. متاسفانه رهبران اتحادیه ها در انگلستان مانند بقیه کشورهای اروپایی نسبت به تهاجماتی که به حقوق کارگران می‌شود پاسیو هستند. مثلاً اتحادیه تی بیوسی "اخیراً نسبت به حدت حداقل دستمزد در بخششی از کار کاملاً بی تفاوت بود. کارفرمایان انگلیس با حذف حداقل دستمزد اتفاقاً اقدام به وارد کدن نیروی کار از شرق اروپا کردند. ترسا اضافه می‌کند: "پس از شکست مبارزه معدنچیان در اواسط دهه ۸۰ ضربات و حملات زیادی به طبقه کارگر صورت گرفته است و گرچه انتظار می‌بقیه در صفحه ۷

۲۰ آوریل قرار گرفته بود، اضافه می‌کند: "متاسفانه برای من تصور کمین هبستگی با مبارزات کارگری با این وسعت در انگلستان غیر ممکن است. این وضع ارتباط مستقیم با تصویب ۱۱ قانون ضد اتحادیه ای توسط دولت محافظه کار در سال ۱۹۷۹ دارد. قوانین فوق هر گونه فعالیت هبستگی با مبارزات کارگری را جزو جرائم جنایی تلقی می‌کند. مثلاً فراهم کردن اتوبوس برای شرکت کنندگان در تظاهرات و پیکرهای هبستگی غیر ممکن است.

در انگلستان اعتصابات باید یک هفته قبل به اطلاع مقامات رسیده باشد. و بین دو اعتصاب باید بین ۱۴ روز هیچ اعتصابی صورت نگیرد. پیکت هایی که در آن بیش از ۶ نفر شرکت کنند توسط پلیس پراکنده می‌شود و در صورت مقاومت، پیکت کنندگان دستگیر می‌شوند. البته این شش نفر باید از کارگران همان محل کاری باشند که پیکت جلوی آن صورت می‌گیرد. تصمیم گیری درباره اعتصاب با ارسال برگه های رای گیری به اعضا اتحادیه صورت می‌گیرد. کارگران حق تجمع و تصمیم گیری در آن را ندارند. تهیه اتوبوس برای انتقال شرکت

در انحصار شش کمبانی بزرگ قرار گرفتند. رانندگان شرکت در اعتراض به دشوار شدن شرایط کارشان دست به اعتصاب ۳ ساعته زدند. شرکت اتوبوس رانی همه ۹۶ رانندگان را یکجا اخراج کرد. اتحادیه برای رانندگان همچند قدمی برداشت. رانندگان با ابتکار خود اقدام به جمع آوری کمک های مالی کردند. (فروش بلیط طوری انجام می‌شد که مردم امکان پرداخت مبلغ اضافی حاصل از فروش بلیط برای رانندگان اعتصابی جمع آوری می‌شد). اما با پایان یافتن این کمکها رانندگان

در انتظار قوت این اعتصاب تقویت شدند. هبستگی کارگری در شهر ایسبرگ و دانمارک که از ماه آوریل ۹۵ آغاز و ۴ تا میاندگان تشکلهای کارگری از کشورهای مختلف اروپائی شرکت کنندند و پیامهای هبستگی از سوی سازمانهای کارگری چندین کشور دیگر جوانه شدند. ترسا مک کی عضو شورای کارگران خاطی خود از جمله شرکت کنندگان در این اعتصاب در اعتراض به واگذاری خطوط اتوبوس رانی شهر ایسبرگ به بخش ترانسپورت انگلیس از جمله شرکت کنندگان در این اجتماع بود. متن زیر ترجمه شده بود، آغاز شد:

هبستگی کارگری در این اعتصاب تقویت شدند. این اعتصاب در شهر ایسبرگ و دانمارک که از ماه آوریل ۲۰ تا ۲۵ میاندگان اعتصاب کنندگان در این اعتصاب در دانمارک روز ۲۰ هزار نفر بود. در این روز نزدیک به شکست کشاندن اعتصابی دست از کارگری شدند. تحقق مطالبات آنان شدند. (در شماره ۵۴ کارگر امروز مقاله منفصلی در باره این اعتصاب بچاپ رسیده است).

آخرین آنکسیون در دفاع از مبارزات

### هبستگی معنou است

رسا مک کی که بشدت تحت تاثیر فعالیت های هبستگی با مبارزات کارگری به بخش خصوصی در دانمارک، برویه کثرت فعالین در پیکت، شرکت جوانان در این پیکت ها و آکسیون

卷之六

امروز بسیار معمولی است. وی با نشان دادن چک کارگران در مارچ ۱۹۹۴ نشان داد که کارگران حنافل دستمزد شان را نیز دریافت نمی کنند و کمپانی گفته است که در مدت کارآموزی نیز دستمزدی به آنان پرداخت نمایند کرد.

با این وجود کمپانی نایکه ادعای  
کرده است که باعث توسعه و پیشرفت  
اندونزی و دیگر کشورها شده است.  
زیرا درآمد یک کارگر در اندونزی پنج  
برابر درآمد یک کشاورز است. جالب  
است که اعتراضات و اعتراضات در  
سالهای اخیر در میان کارگران کفش  
نایکه در اندونزی موج فراینده ای  
داشته است.

جف بالینگر در قسمت دیگر بحث به نقش بر جسته تبلیغاتی نایکه در دنیا اشاره کرد و گفت در سال ۱۹۹۴ طبق آمار آمریکا فقط یک درصد تبلیغات نایکه در آمریکا برابر با ۲۵۰ میلیون دلار بوده است. این مبلغ می تواند وضعیت ۱۰ هزار کارگر انلونزیابی را به بالای خط فقر ببرد.

لیوایز

لیوایز یکی از بزرگترین تولید  
کنندگان پوشک در دنیا است. قوانین  
کار در این کمپانی همانند کمپانی  
نایکه ظاهرا با استانداردهای ایمنی و  
سلامتی و عدم تبعیض همخوانی دارد  
از جمله منوعیت کار کودکان. طبق  
نقشه خودشان آنچه برای کمپانی مادر  
در رابطه با شرکایش در کشورهای

توسعه نیافته اهمیت دارد انست که  
عملکرد آنان در تصویر جهانی این  
کمپانی تاثیر مضر و منفی نگذارند.  
یا در جایی کفته شود که به حقوق  
نسانی تجاوز شده است و اغتشاش و  
غوغای سیاسی و اجتماعی بوجود  
آید.

اندونزی از تولید کنندگان اصلی لیوایز است. طبق گفته "تن مسکوکی" نیس بخش کارگری در اندونزی، لیوایز در جاکارتا ۲۵ پیمانکار دارد که حدود ۹۵ درصد محصولات آنها صادر می‌شود. هر سال ۷ میلیون جنس ساخته می‌شود که برابر دو و نیم میلیون لار آمریکا سود دارد. "تن مسکوکی" گفت کمپانی لیوایز در مقابل اعتراض مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کارشان، کارخانه را می‌بندد و کارگران امر Pax می‌کند. سود لیوایز در سال ۱۹۸۹ برابر  $\frac{۲۷۷}{۳}$  میلیون لار آمریکا بوده است. با این حال کمپانی ۱۱۵ کارگر را مثل یک ست جین کهنه شده بیرون انداخت. یعنی کارخانه بیست و ششمین کارخانه لیوایز بوده است که از سال ۱۹۸۵ کشور مسته شده است. \*

با نیروی کار بیش از ۷۵ هزار نفر تولید می شود. نایکه در آمریکا خلود هزار کارگر دارد.

واقعیت نایکہ

این کمپانی در سال ۱۹۹۰ قانون شرایط کارش را انتشار داد که بمنظور مطلوب و عادلانه می‌زیست (به نظر گزارشگر کنفرانس - م) اما با تکمیلگاهی به عملکردهای بین المللی نایابک، واقعیت شرایط کار در این کمپانی برخلاف ادعاهای قانون کارش رملا می‌شود. نایابک از قانون ظالمانه تولید هر چه ارزانتردر آسیا پیروی می‌کند. در اوایل سال ۱۹۸۰ این

چپسی که مرد تولیداتش در اروپا،  
آمریکای شمالی و ژاپن بود به کره  
جنوبی و تایوان که حقوق کارگر یک  
لار در ساعت است (یعنی کمتر از  
یک دهم آن در آمریکا) منتقل کرد.  
گزارش مارجیک اسمیت در "سومو"  
نشریه اتحادیه نایکد) کتابی نایکه  
علوود ۵ سال پیش بخاطر مزد و

سبارزات اتحادیه ای در کره جنوبی و  
ایوان، تقریباً نصف تولیداتش را به

نسلوتوزی و چین و تایلند منتقل کرد و  
یکاری وسیعی را در کره و تایوان  
وجود آورد. نایکه (کمپانی مادر) از  
ین انتقال حمایت و پشتیبانی کرد.  
بنانچه در سالهای اخیر کارهای نایکه  
در انلوتوزی را بررسی کنیم مشاهده  
شود که پیمانکاران نایکه در  
نسلوتوزی دستمزد هر چه کمتری به  
بارگران پرداخته اند.

سیده زین العابدین

در سال ۹۲ نایکه صاحب امتیاز پیمانکار کره‌ای بود که بیش از ۲۴ نیاز کارگر داشتند. ۸۵ درصد این لارگران زن بودند. طبق تحقیقات انجام شده از ۶ کارخانه مزبور چهار تای آن

حدائق دستمزد را نیز نمی پرداخته  
ند. طبق گفته وزارت کار انلونزی، با  
حدائق دستمزد فقط دو سوم احتیاجات  
ولید کارگران برآورده می شود. جف  
لینگر که برای فندرسیون کار آمریکا  
رجاگارتا کار و تحقیق می کرد در  
بن سینار گفت: "... در ابتدای کار  
ما فکر می کردیم که نسبت به  
برکتهای محلی نایکه با کارگران رفتار  
متری داشته باشد. اما با آمدن این  
مبانی وضع کارگران وخیم تر شد."  
جف بالینگر همچنین گفت حدائق  
هر آپیمانکار سه تای آنها از کار  
ود کان استفاده می کنند. و برای  
مثلث دختر ۱۴ سالگی هفتاد ای  
۵۰ ساعت با ماشین خیاطی کار می  
ردد است. تجاوز به حق کارگران در  
بطه ما ساعات کار، تعطیله، و بهدشت

# بایک در حد هزینه تبلیغات نایکه در آمریکا میشود زندگی ۱۰ هزار کارگر اندونزیایی ۱۰ نالای خطف فقد دد

کارخانه دویلند. من نمی دانم آنها دقیقاً چکار کردند. من آرام ایستاده بودم و با آنها فاصله داشتم. آنهاشیشه ها را شکستند. ملیر توسط مستولین امنیتی نجات داده شد. دیگر اوضاع از جانب هیچ طرف قابل کنترل نبود. نمایندگان کمپانی به حرfovهای کارگران گوش می دادند اما مستولین اتحادیه در مدت تظاهرات نیز با کارگران پدوفتاری می کردند. ناگفته نظامیان آمدند. نماینده سازمان کار از کارگران خواست که نماینده شان را بفرستند. اما هیچیکی از کارگران قبول نکردند و گفتند همه باید حضور داشته باشند. در آخر مناکرات تصمیمی گرفته شد. در سپتامبر ۱۹۹۲ کارفرما یک نامه انتشار داد و به خواسته های کارگران جواب مثبت داد. در کنار این نامه کمپانی اطلاعیهای صادر کش نایکه کفش آدیداس نیز تولید می کرد. اولین دستمزد روزانه من ۱۵۰۰ روپیه بود (حدود ۷۰ سنت آمریکا). در اکتبر دستمزد من به ۲۱۰۰ روپیه افزایش یافت که کارخانه ۴۰۰ روپیه آن را برای ناهار کم می کرد. هر ماه ۵۲۵ روپیه برای بیمه و ۵۰۰ روپیه برای حق اتحادیه کم می شد. این حقوق برای احتیاجات اولیه من هم کافی نبود. ما بتدریج قوانین کارگری اندوختی را یاد گرفتیم. در کاخانه ما برخلاف قانون هزینه ناهار از حقوق روزانه کم می شد، و حق دوران بارداری و مرخصی ماهانه برای زنان و غیره رعایت نمی شد. اتحادیه کارخانه زیر نظر دولت بود و بنفع کارگران قدمی بر نمی داشت. من یکسال کار کردم و مرتبًا پول بیمه و اتحادیه را پرداختم طرف "شبکه آموزش تغییرساختار بین المللی" (آی.آر.ام.ان) او به منظور بحث و تبادل نظر درباره مسائل کارگری شمال و جنوب در پاریس برگزار شد. در این سمینار به ویژه عملکرد دو کمپانی بزرگ نایک و لیوایز در آمریکا و اندونزی مورد بررسی قرار گرفت و فعالین کارگری اندونزی درباره فعلیت های کارگران و شرایط کار در این دو کمپانی بحث و تبادل نظر کردند. آنان همچنین جابجایی بین المللی سرمایه و چگونگی تاثیر آن بر زندگی و معیشت کارگران را بررسی کردند. مطلبی که میخواهید خلاصه ای از چند گزارش طرح شده در این سمینار است که توسط مرضیه صفری تهیه و ترجمه شده است.

داستان زندگی سدیسه

که هر کس طبق معمول به کارش ادامه دهد. آنها همچنین در اطلاعیه خاطر نشان کرده بودند چنانچه کارگری در روزهای تظاهرات کار نکرده باشد حقوقش پرداخت خواهد شد که دروغی بیش نبود.

در ۵ ژانویه ۱۹۹۳ کمپانی که نامش را به "التری اینتلوفوتور" تغییر داده بود نامه ای برای کارگران فرستاد که در آن اسامی کارگران " مجرم " نوشته شده بود. جم آنها شرکت در جلسه غیر قانونی و طراحی تظاهرات ۲۸ ستمبر بود.

شده بود اما کارفرما هرگز آنرا در اختیار کارگران قرار نداده بودو کارگران از مقاد آن مطلع نبودند. اتوبوس به اندازه کافی وجود نداشت. وضعیت بهداشتی نیز خوب نبود. دو روز در هفته یک دکتر برای ۵ هزار کارگر وجود داشت و اگر ۵ نفر مريض می شلند کلينيک از عهده کارگران مريض بر نمی آمد.

من فکر می کنم هر کارگر باید به اندازه کافی اطلاعات و دانش در مورد قوانین کار داشته باشد. کارخانه هرگز این اطلاعات را در اختیار کارگران سپری نماید و باید معمولی بخواهد

سلیسه از کشور اندونزی یکی از شرکت کنندگان در سمینار مسابی کارگری در پاریس بود. او قبلاً برای پیمانکار کره ای تولید کننده آدیداس و نایکه کار می کرده است. این اولین فرصت برای سلیسه بود تا از اندونزی خارج شود و با دیگر فعالین کارگری در اروپا آشنا گردد. در سال ۹۲ او یکی از زنان کارگری بود که به علت نادیده گرفتن ابتدائی ترین حقوق کارگران علیه کمپانی اعتراض کردند. او و همسکارانش از کار معلق شدند. آنها برای استخدام دوباره و برداخت حقوق

من بعنوان تحریک کننده تظاهرات شناخته شدم و متهم شدم که به مالک کارخانه خسارت وارد آورده‌ام. از آن به بعد به مدت نامحدود از کار متعلق شدم. مدتی بعد آنها مرا برای ستوان و جواب خواستند. من هیچ احساس ترس و ناراحتی نداشتم زیرا احساس می‌کردم هیچ کار غلطی انجام نداده‌ام.

در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۳ از طرف سازمان کار خواسته شدم. ما با کارگران دیگر بدنیال وکیل رفتیم و برای استخدام دوباره تلاش کردیم در نتیجه حقوق دوران تعليق نیز پرداخت شد. کارگران تعليق همچنان با هم بودیم... قرار نمی‌داد و من بعنوان یک کارگر، خارج از کارخانه بدنیال این اطلاعات می‌گشتم. در نشریه وزارت کار در رابطه با حداقل دستمزد درمناطق مختلف گزارشی نوشته شده بود. طبق گزارش وزارت کار حداقل دستمزد روزانه ما از ۲۱۰۰ روپیه به ۲۶۰۰ روپیه در روز بلوں هیچ کم و کسری باید افزایش می‌یافت. اما کارفرما فقط ۲۰۰ روپیه اضافه کرده بود و هنوز از آن ۳۰۰ روپیه کسر میکرد. ما بنمی توانستیم این وضعیت را بینیریم. در سپتامبر ۹۲ در جلسهای با دیگر دولتان کارگرم به بحث و تبادل نظر درباره خواسته هایمان پرداختیم و به تابع دوران تعليق پرونده هایشان را به ذاگاه کشانید. در سینمار پاریس او داستان زندگیش را چنین بازگو کرد: من ۶ نوامبر ۱۹۷۹ در کوتایبونی در خانواده ای با هشت دختر متولد شدم. پدرم محمد زین ملیز مدرس و مادرم خانه دار بود. وقتی وارد دیپرستان شدم مادرم را از دست دادم. پدرم را در سال دوم دبستان از دست داده بودم. با کمک دولستان و آشنایان توانستم دوره آموزشی معلمی را تمام کنم. مثل همه هم سن و سالهایم پیدا کردن کار بزایم بسیار سخت بود. خانواده ام می خواستند که معلم شو姆

اما با وضعیت زندگی ما خیلی مشکل می توانستم این شغل را پیدا کنم. خودم آرزو داشتم که اقتصاد بخوانم. بسیاری از دولتات در روستاییان برای خوبیختی! بمثهرها رفتند. بیشتر آنها کارگر کارخانه شدند. من هم برای پس انداز کردن و کم کردن فشار بر خانواده، کار در کارخانه را انتخاب کردم. ۸ جولای ۹۱ من روستاییان را به مقصد سرانگ در غرب "جوا" ترک کردم و در خانه دوست مانم. روز بعد از یک آخر سپتامبر کشیدیم. در روز تظاهرات وقتی به کارخانه کفشهای تقاضای کار کردم و ۱۲ جولای در کارخانه کفشهای تقاضای کار کردم. شدم و در بخش برش شروع به کار کردم. این کارخانه در کنار تولید

اما دریافتی های دیگر آنان علیرغم انجام کار بکسان، متفاوت است.

### سیستم کنونی دستمزدها

سیستم دستمزدها بر اساس یک روش پرداخت پاداش و آنقدر پیچیده است که کسی از آن سر در نمی آورد و دقیقاً نبیند هرمه چقدر و چطور دستمزد دریافت میکند. اتحادیه اجتماعی کارگران میخواهد این سیستم را تغییر دهد. این اتحادیه خواهان حذف نقش دولت در تعیین دستمزدها و منحصر شدن انعقاد قرارداد بین اتحادیه ها و کمپانیهاست.

"اتحادیه مستقل معدنچیان" (ان. پی. جی.)

این اتحادیه نیز در سال ۱۹۸۹ تشکیل شد و از ۹۰۰ هزار کارگر معدن، صد هزار کارگر عضو این اتحادیه هستند. اتحادیه کارگران معدن در ابتدای دسامبر ۹۴ تصمیم گرفت که فعالیت سیاسی اش را علیه دولت یلتسين آغاز کند. کارگران معدن زغال و نفت اعتراضات و اعتصابات فعلی را برای جلوگیری از بیکارسازیها و پرداخت دستمزدهای معوقه خود انجام داده اند.

### "اتحادیه های آزاد"

اتحادیه های دیگری که اتحادیه های آزاد نامیده میشوند، کارکنان ترافیک هوایی، خلبانان، کارکنان کشتیها و صنعت حمل و نقل را سازمان داده اند. کلیه این اتحادیه ها منحصر به گروههای شغلی معین هستند که با کمپانیها قرارداد میبنند. این اتحادیه های انتظامی به این شکل میگردند که از جانب کارگران میگویند "ما را متمم میکنند" و از جانب کارکنان میگویند "ما را انتقام میبریم". رهبری اتحادیه های آزاد با کارکنان میگردد. این اتحادیه های آزاد با مشکلاتی از قبیل آزار و اذیت و قتل رهبران و افراد مورد اعتماد اتحادیه از جانب سرمایه داران و دستجات راست روپرتو هستند. قوانین موجود هم برای فعلیت این اتحادیه ها مشکل ایجاد میکند. از جمله بستن قرارداد جمعی برای اتحادیه ای مقدور است که بیشترین تعداد اعضا را در یک کمپانی کار این "فنرایسون اتحادیه های محل های کار این" میگیرد. این اتحادیه های مستقل روسیه است که بیشترین تعداد اعضا را دارد. بسیاری از این اتحادیه های آزاد خط مشی سیاسی معینی ندارند. برخی از آنان از یک گایدای علیرغم افزایش بیکاری و کاهش دستمزدهای ناشی از برنامه های وی حمایت میکنند.

\*

در مقابل اتحادیه هایی که از جانب دولت تأسیس شده بود، شکل گرفت. رهبر این اتحادیه با رجوع به مارکس و بکار بردن عبارت معروف او، "کارگران جهان متعدد شوید" رسالت خود را تحقق ایله های مارکس اعلام میکند. این اتحادیه میخواهد کلیه کارگران را در سراسر روسیه مشکل کند.

این اتحادیه هنگامی که یلتین انعقاد قرارداد بین "آتوواز" و "جنرال موتورز" را تائید کرد، که بمعنی بیکار شدن نیمی از کارگران روسی بود، اعتراضی را در اعتراض به این قرارداد سازمان داد. که نتیجه آن بیکار شدن تعداد کمتری از کارگران شد. این اتحادیه با اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف تماس دارد و تلاش میکند تا از طریق این اتحادیه ها کمپانیها را برای جلوگیری از بیکار کردن کارگران روسی هنگام انعقاد قرارداد تحت فشار بگذارند.

اتحادیه سراسری کارگران در زمینه دستمزد و شرایط کار با کمپانیها قرارداد می بنند. خلود ۴۲ درصد کارگران در روسیه عضو این اتحادیه هستند و البته بسیاری از این کارگران بدليل برخی مزایایی که برای کودکان کارگران بودند. این اتحادیه عضو "فنرایسون اتحادیه های مستقل روسیه" وجود دارد، هنوز و بر روی کاغذ عضو اتحادیه مذکور هستند. از نظر سرگنی چارمو این مساله مانع ندارد. رهبری اتحادیه دلیل کم بودن نسبی اعضای اتحادیه را مشکل مالی میداند. این اتحادیه از جانب اتحادیه های کارگری در آمریکا، ایتالیا و آلمان حمایت مالی میشود. رهبری اتحادیه میگوید ما را متمم میکنند، اما ما از "سیا" پول نمی گیریم. رهبری اتحادیه میگوید زمانی نماینده ای از جانب یک اتحادیه ایتالیایی به اینجا آمد و در چنگونگی انعقاد قراردادها با کارفرمایها به ما کمک کرد، وقتی از فاشیستی بودن این اتحادیه مطلع شدیم روابط ما را با آنان قطع کردیم.

نفوذ این اتحادیه در حال گسترش است و بعنوان یکی از طرف حسابهای دولت برسمیت شناخته شده است. رهبران این اتحادیه خود را تنها اتحادیه مستقل کارگران میدانند و "فنرایسون اتحادیه های مستقل روسیه" را یک تعاونی میخوانند.

علاوه بر مبارزه علیه بیکاری، اتحادیه وظیفه دیگر خود را دریافت دستمزد کارگران می داند.

اما مساله فقط دریافت دستمزد نیست بلکه جاری ساختن روش متفاوت برای تعیین دستمزدهاست چرا که در روسیه همه کارگران یک خداقل دستمزد را عموماً دریافت میکنند،

## اتحادیه های کارگری در روسیه

اعظم کم گویان

های کارگری در روسیه است.

### "فنرایسون اتحادیه های مستقل روسیه"

"وی. ای. اس. پی. اس" یا در واقع همان تعاوینهای توزیع در سیستم گذشته در سال ۱۹۹۰ به "اف. ان. پی. ار." یعنی فنرایسون اتحادیه های مستقل در روسیه تغییر یافت. کلیه کارکنان بانکها، مغازه ها و سایر بینگاههای خصوصی عضو این اتحادیه هستند. این اتحادیه با ۴۲ اتحادیه عضو خود، بزرگترین اتحادیه کارگری در روسیه است و ۵۵ میلیون عضو دارد. رهبر این اتحادیه مهمترین خواست و وظیفه خود را نه افزایش دستمزدها بلکه وادار کردن کارفرمایها به پرداخت دستمزدها میداند. این اتحادیه در ۲۷ اکتبر ۹۴ اعتصابی را علیه کارفرمایها سازمان داد که ۸ میلیون کارگر در آن شرکت کردند. سرمایه داران ۴ تریلیون روبل به کارگران بدهکار بودند. نتیجه این اعتصاب این اتفاق افتاد، کارفرمایها و سرمایه داران خصوصی حق استخدام و اخراج کارگران و اختیار تعطیل کردن مراکز تولیدی را بست آورده اند، اتحادیه های کارگری در مقابل این مساله مقاومت کردند و خواهان انتخابات فوری، توقف حاکمیت بازار اتفاق گرفت، دستمزدهای پرداخت شود و در ادامه نیز دستمزد کارگران به موقع پرداخت شود. اما بدھی دولت و سرمایه داران یعنی دستمزد پرداخت نشده از ۴ تریلیون روبل به ۴/۷ تریلیون روبل افزایش یافت. رهبران این اتحادیه از دولت انتقاد میکنند که مدیران را وادار به پرداخت دستمزدها نمی کنند، قوانین لازم را وضع نمی کنند و کارفرمایها را ناقار به رعایت این قوانین نمی کنند. رهبر این اتحادیه میخانیل شماکوف در مورد رابطه این اتحادیه با احزاب میگوید که در حال حاضر چنی در روسیه وجود ندارد که این اتحادیه از آن حمایت کند و یا بالعکس چنی که نقطه نظرات و مواضع حمایت آمیز و نزدیکی نسبت به اتحادیه داشته باشد. این اتحادیه های شرکتمندی است که بر مستغلات، بانکها، مغازه ها، دفاتر مخصوص تغیرات و توریسم مالکیت دارد.

### "اتحادیه های کارگری اجتماعی روسیه"

این اتحادیه در سال ۱۹۸۹ در زمان پروستویکای گورباچف بعنوان آلترناتیوی مستقل

## شورش کارگران آرژانتین

## سازمان جهانی کار در مورد بایکوت کار کودکان هشدار میدهد!

روز ۲۲ سپتامبر هزاران کارگر بخش دولتی در شهرهای استان "ریونوگر" آرژانتین دست به تظاهرات و راهپیمانی دست زدند و ساختمانهای دولتی را به آتش کشیدند. کارگران که نیش از ۵ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند برآرها اعتراض کرده بودند اما از جانب دولت پاسخی دریافت نکردند. روز ۲۲ سپتامبر شهرهای اصلی استان ریونوگر به صحته تظاهرات و راهپیمانی کارگران خشمگین تبدیل شد: کارگران خواستار برکاری استاندار و رسیدگی فوری به خواستهایشان بودند. با دخالت پلیس زد و خود شروع شد و کارگران خشمگین ساختمانهای دولتی را به آتش کشیدند.

در ادامه این حرکت عظیم اعتراضی، در روز ۲۵ سپتامبر کارگران تمام شهرهای این استان به اعتراضی یک پارچه دست زدند و بر خواست خود مبنی بر برکاری فوری استاندار و پرداخت دستمزدهای تعویق افتاده خود تأکید کردند. در ماه ژوئن گذشته استان کوردوبا یکی از استانهای اصلی آرژانتین نیز صننه تظاهرات و شورشهای مشابه از جانب کارگران در اعتراض به تعویق طولانی مدت پرداخت دستمزدهایشان بود.

یا کار در شرایط خطرناک، و همچنین ایجاد امکان با سعاد شدن همه کودکان را شامل شود. در گزارش اضافه میشود: "بیش از هرچیز این از تنها مزینت آنست. اما تحریه نشان میدهد که یک نتیجه فوری آن یعنی حذف شتابزده کودکانی که هم اکنون کار میکنند میتواند وضعیت این کودکان را به خطر اندازد. بعلاوه اقداماتی که فقط به کار کودکان در بخش تولیدات مربوط به صادرات مرکز میشود میتواند کار کودکان را به بخشها بسیاری کمی از کودکان را به کار گرفته اند.

گزارش مزبور که برای یک نشست دو هفته ای هیئت سازمان ملل در روز دوم سپتامبر سال ۱۹۹۰ این سازمان آمد بود یعنی ۸ میلیون، بسیار بیشتر است. اکثر این میلیون ها کودک بیشتر کارگران بی اجر و مواجب خانوادگی هستند. حتی در بخش صادرات، کار کودکان در رشته کشاورزی بسیار بیشتر رایج است تا در

بخش صنایع و تولید. بایکوت کالاها ممکن است بنا به اظهار نظر این سازمان به بحث حول این مسئله دامن بزند و این تنها مزینت آنست. اما تحریه نشان میدهد که یک نتیجه فوری آن یعنی حذف شتابزده کودکانی که هم اکنون کار میکنند میتواند وضعیت این کودکان را به خطر اندازد. بعلاوه اقداماتی مثل بافندهی، پوشک، فرش تولیدات مربوط به صادرات مرکز میتواند شده، این صنایع تعداد نسبتاً کمی از کودکان را به کار گرفته اند.

در این گزارش همچنین آمده است که تعداد کودکان کارگر از تعدادی که در گزارش سال ۱۹۹۰ بسیار بیشتر است. اکثر این میلیون ها کودک بیشتر کارگران بی اجر و مواجب خانوادگی هستند. حتی در بخش صادرات، کار کودکان در رشته کشاورزی بسیار بیشتر رایج است تا در

سوسن بهنام

# بردگی کودکان

## کشورهای آسیایی

سیلی: یک گروه استرالیایی با انتشار گزارشی اعلام کرد که بیش از ۱۰۰ میلیون کودک آسیایی - که برحی از آنها تنها ۴ سال دارند - ناچار هستند به منظور ساختن کالاهای مصرفی برای کشورهای غربی در شرایطی بسیار ناهمجارت کار کنند.

این گروه که "انجمان ضد بردگی" نام دارد و مرکز آن در ملبورن است میگوید، اظهار داشت، "مجازاتهایی که صاحبان این کودکان بر آنها روا می دارند قابل وصف نیست. سوزاندن، داغ کردن با اتوی داغ، گرسنگی دادن تا پای مرگ، شلاق زدن، به زنجیر بستن، تجاوز جنسی و حبس کردن در داخل قفسه ها و جعبه های مقواهی از آن جمله است. "انجمان ضد بردگی" که برای پایان دادن به بهره کشی از کودکان تلاش می کند، تخمین می زند که بین ۷۳ تا ۱۱۵ میلیون کودک تنها در هند کار می کنند.

پیش، تایلند، فیلیپین و سریلانکا از جمله کشورهای دیگری هستند که در گزارش "انجمان ضد بردگی" از آنها به عنوان کشورهایی که کار اجباری کودکان را تحمل می کنند، نام بده شده است.

تنها در صنعت قالیبافی ۵۰۰ هزار کودک در پاکستان، ۳۰۰ هزار کودک در هند و ۱۱۰ هزار کودک در پیال در شرایط بردگی کار می کنند. تعداد کودکان بردگی در صنایع دیگر معلوم نیست.

کارگران عموماً از ۶ صبح تا نیمه شب کار می کنند. وقت ناهار ندارند و اگر بیش از سه دقیقه در دستشویی های کثیف و متعفن بگذرانند کتفک می خورند.

یک سخنگوی "انجمان ضد بردگی" گفت که در اکثر این کارگاهها، کودکان ناچار هستند در همان اتاق شلوغ بخورند، بخوابند و کار کنند. برای جلوگیری از فرار کودکان درها و پنجه ها یا قفل است و یا با میله های آهنی بسته شده است.

در این گزارش کشورهای غربی که کالاهای ساخته شده توسط این کودکان را دریافت می کنند آمریکا، کانادا، استرالیا، و تمام اعضای اتحادیه اروپا نام بده شده اند. \*

کشور در سال ۱۳۶۵، ۳۰/۱۵۰ کارگر بین ۶ تا ۱۹ سال را به عنوان نیروی متخصص مشغول به کار اعلام کرده است. جای تعمق است که کودک ۶ ساله ای که به عنوان نیروی متخصص به کار کرده و یا در چه شرایطی متخصص خود را کسب کرده است.

آنچه مسلم است در سالهای اخیر با تشدید فقر و فلاکت وسیع و عمومی موقعیت کودکان به عنوان ضعیف ترین

و محرومترین اقشار طبقه کارگر و لایه های پائینی و بی تامین جامعه، به شدت تضعیف شده و به عقب رفته است. گرانی سرسام آور در سالهای اخیر، خصوصی شدن و افزایش نجومی هزینه تحصیل در ایران، امکان تحصیل کودکان در ایران سلب کرده است.

طبق آمار رسمی سالانه ۲۲۰۰ کودک قربانی فقiran و کبد ایمنی محیط کار می شوند. سوانح گزارش شده مربوط به کار کودکان در مجموع ۱۱ درصد از سوانح کار در ایران را تشکیل می دهد.

متاسفانه آمار دقیق و قابل در سال ۱۷ سال، ۱۸ میلیون اعلام سنی کار کودکان تعداد کسانی که در همین گروه سنی ۵ تا ۱۹ سال از هرگونه امکان ساده آموزی (خواندن و نوشتن) محروم بوده اند، سه میلیون از تحصیل در دوره راهنمایی، و از گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال، ۴ میلیون نفر از تحصیل در دیوبستان محروم بوده اند. طبق همین آمار از هر صد نفری که مدرسه را شروع می کنند تنها ۲۸ نفر موفق به اخذ دیپلم می شوند. آمار وضعیت اسفناک تحصیل کودکان در سال ۱۳۷۱ می تواند ما را به تصویر واقعی تری از وضعیت کار کودکان در ایران نزدیکتر کند. هر چند که هنوز با خود واقعیت فاصله دارد.

تورم غول پیکر در سالهای اخیر در ایران، کمر اقشار وسیعی از جمعیت

از شغلهای سنتی دیگر کودکان در ایران می شود از کار در نانوایی، جمع آوری شیشه، پلاستیک، نان خشک، باربری، پادویی و کلفتی و نوکری در خانه ها نام برد.

عدم برخورداری کودکان کارگر در ایران از هر گونه بیمه و خدمات اجتماعی از یک طرف و کار آنها در محیط های آلوده و نامن، از طرف دیگر، زندگی و سلامت آنها را بطور روزمره در معرض خطر جدی قرار داده است.

طبق آمار رسمی سالانه ۲۲۰۰ کودک قربانی فقiran و کبد ایمنی محیط کار می شوند. سوانح گزارش شده مربوط به کار کودکان در مجموع ۱۱ درصد از سوانح کار در ایران را تشکیل می دهد.

متاسفانه آمار دقیق و قابل

ادامه می یابد.

## کار کودکان در ایران

بیش از ۲۰۰ میلیون کارگر کارگر با سلام و خسته نباشید. اول آوریل امسال قلب کوچک اقبال مسیح رهبر کودکان برد در پاکستان با گله سرمایه داران از حرکت افتاده تا صدای وی علیه بردگی و کار کودکان ساکت شود.

بیش از ۲۰۰ میلیون کودک کارگر بی تردید محروم ترین و بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر در جهان را تشکیل می دهند. کودکان در ایران بخشی از این مجموعه هستند. به راه انداختن یک حرکت جدی وسیع علیه کار کودکان و خشونت علیه کودکان یک وظیفه عاجل ماست. پیشنهاد می کنم کارگر امروز با اعلام این فراخوان پیشقدم انجام این امر و کمالی برای پیشبرد هر چه مؤثر تر آن باشد.

سوسن بهنام

علیرغم قانون پوشالی ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۵ سال در ایران، هیچ محلودیت سنی، ساعات کار، رشتہ کار برای کار کودکان وجود ندارد. به جرات می توان گفت که به جز رشتہ هایی که احتیاج به تخصص و تحصیلات عالی دارند، کودکان در اکثر رشتہ های تولیدی، خدماتی، و تجارتی بکار گرفته می شوند. کار کودکان بخصوص در رشتہ های تولید خانگی از ۲/۵ تا ۴ سالگی آغاز می شود. کودکان در مناطق روستایی یک پای ثابت کشاورزی، آبیاری، دامداری و غیره هستند. قالیبافی از دیگر صنایع است که سود آوری هنگفت خود را عملتاً ملیون دستهای کوچک تاول زده صد هزار کودک در ایران و بخصوص دختر بچه هاست. طبق آمار رسمی ۲/۵ میلیون زن بالای ده سال در کارگاههای قالیبافی مشغول بکار هستند. این تعداد مسلمان کودکانی را که بطور غیر رسمی در کارگاههای دلالان فرش یا در گوش خانه خود قالی می بافند و همچنین تعداد قابل ملاحظه کودکان زیر ده سال را در بر نمی کنند. طبق آمار سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۷۱ از مجموع یازده میلیون و سیصد و سی و شش هزار شاغلین بالای ۶ سال در سال ۱۳۶۵ چهار صد و نو و هفت هزار نفر کارگران فامیل بدون مزد هستند، که در واقع شامل زنان و کودکان می گردند.

کار در کارهای آجر پیزی، صنایع نساجی، چرم و بافندگی از مراکز دیگر کار کودکان در ایران است. کار در کارگاههای صنعتی از جمله مکانیکی ها، تراشکاری، قالیبافی، جوشکاری از مراکز سنتی کار پیمان در ایران است. ساعت کار بسیار طولانی گاه تا ۱۲ - ۱۴ ساعت در روز، کار بسیار سنگین و طاقت فرساً، محیط ناامن و آلوده بسیاری از کودکان را دچار پیری زود رس می کند. اکثر بچه ها در این محیط های کار جدا از کارگاهی روتین، مستول نظافت، تهیه یا پختن غذا برای کارگران و پادویی هستند. بسیاری از بچه ها در سنین پانزیان دندهای خود را از دست می دهند و هیکلی دفرمه و خیله پیدا می کنند. سطح دستمزد کودکان کارگر در ایران از هیچ قانونی پیروی نمی کند و عمل بر حسب توافق کارفرما



منابع:  
سالنامه آماری ۱۳۶۰  
سالنامه آماری ۱۳۶۵  
اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۴۴ - ۴۳  
اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۸۶ - ۸۵  
مقاله کودکان، اسیر هدف های سرمایه داری نوشتہ دکتر محمد اسماعیل صالحی  
مندرج در مجله صنعت پلاستیک

کشور را خرد کرده است. تنها تلاش برای زنده ماندن به استاندارد زندگی میلیونها خانوار شاغل در تبدیل گشته است. در چنین شرایطی، و در موقعیت کار کودکان را گزارش نمی کنند. انعکاس این آمار به دلایل روشی مورد علاقه رژیم نیز قرار ندارد. با اینهمه همین آمار در ارزیابی زنگ زده اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی را به بازار بسیار ارزان و بی دردسر بچرخانند و خود شاید سوراخ هر چند کوچکی از حفره عمیق هزینه سرسام آور زنده ماندن خود یا خانواده شان را پر کنند.

تعداد این افراد در سال ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ - ۱۰-۱۱ سال، ۱۲/۰۱۶ در گروه سنی ۱۴-۱۲ سال و ۳۲/۳ درصد در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله از نظر اقتصادی فعل می باشند. مجموع تعداد این افراد در سال ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ - ۱۰-۱۱ سال، ۱۲/۰۱۶ در گروه سنی ۱۴-۱۲ سال و ۳۲/۳ درصد در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله از نظر اقتصادی فعل می باشند. مجموع تعداد این افراد در سال ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ - ۱۰-۱۱ سال، ۱۲/۰۱۶ در گروه سنی ۱۴-۱۲ سال و ۳۲/۳ درصد در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله از نظر اقتصادی فعل می باشند. مجموع

با والدین کودک که جمیشه با سطح حداقل دستمزد تفاوت فاحشی دارد، تعیین می گردد. در موارد زیادی صاحبان کارگاهها یا مغازه ها به بهانه یاد دادن تخصص تا سالها هیچ مزدی به آنها نمی دهند. کودکان در محیط کار، همانند نظر اقتصادی ده سال به بالا در سال نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از زنگ زده اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی را به قیمتی ارزان و بی دردسر بچرخانند و خود شاید سوراخ هر چند کوچکی از حفره عمیق هزینه سرسام آور زنده ماندن خود یا خانواده شان را پر کنند.

آزمودن کودک که جمیشه با سطح از مرکز کار کودکان در ایران است. کار در کارگاههای صنعتی از جمله کوچکی جهش، مجوزی است برای آنکه مورد توهین و تحقیر قرار گیرند. کتف خود را از مراکز دستمزد تفاوت فاحشی دارد، تعیین می گردد. در موارد زیادی صاحبان کارگاهها یا مغازه ها به بهانه یاد دادن تخصص تا سالها هیچ مزدی به آنها نمی دهند. کودکان در محیط کار، همانند نظر اقتصادی ده سال به بالا در سال نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از زنگ زده اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی را به قیمتی ارزان و بی دردسر بچرخانند و خود شاید سوراخ هر چند کوچکی از حفره عمیق هزینه سرسام آور زنده ماندن خود یا خانواده شان را پر کنند.

آزمودن کودک که جمیشه با سطح از مرکز کار کودکان در ایران است. کار در کارگاههای صنعتی از جمله کوچکی جهش، مجوزی است برای آنکه مورد توهین و تحقیر قرار گیرند. کتف خود را از مراکز دستمزد تفاوت فاحشی دارد، تعیین می گردد. در موارد زیادی صاحبان کارگاهها یا مغازه ها به بهانه یاد دادن تخصص تا سالها هیچ مزدی به آنها نمی دهند. کودکان در محیط کار، همانند نظر اقتصادی ده سال به بالا در سال نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از زنگ زده اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی را به قیمتی ارزان و بی دردسر بچرخانند و خود شاید سوراخ هر چند کوچکی از حفره عمیق هزینه سرسام آور زنده ماندن خود یا خانواده شان را پر کنند.

آزمودن کودک که جمیشه با سطح از مرکز کار کودکان در ایران است. کار در کارگاههای صنعتی از جمله کوچکی جهش، مجوزی است برای آنکه مورد توهین و تحقیر قرار گیرند. کتف خود را از مراکز دستمزد تفاوت فاحشی دارد، تعیین می گردد. در موارد زیادی صاحبان کارگاهها یا مغازه ها به بهانه یاد دادن تخصص تا سالها هیچ مزدی به آنها نمی دهند. کودکان در محیط کار، همانند نظر اقتصادی ده سال به بالا در سال نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از زنگ زده اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی را به قیمتی ارزان و بی دردسر بچرخانند و خود شاید سوراخ هر چند کوچکی از حفره عمیق هزینه سرسام آور زنده ماندن خود یا خانواده شان را پر کنند.

آزمودن کودک که جمیشه با سطح از مرکز کار کودکان در ایران است. کار در کارگاههای صنعتی از جمله کوچکی جهش، مجوزی است برای آنکه مورد توهین و تحقیر قرار گیرند. کتف خود را از مراکز دستمزد تفاوت فاحشی دارد، تعیین می گردد. در موارد زیادی صاحبان کارگاهها یا مغازه ها به بهانه یاد دادن تخصص تا سالها هیچ مزدی به آنها نمی دهند. کودکان در محیط کار، همانند نظر اقتصادی ده سال به بالا در سال نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از زنگ زده اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی را به قیمتی ارزان و بی دردسر بچرخانند و خود شاید سوراخ هر چند کوچکی از حفره عمیق هزینه سرسام آور زنده ماندن خود یا خانواده شان را پر کنند.

آزمودن کودک که جمیشه با سطح از مرکز کار کودکان در ایران است. کار در کارگاههای صنعتی از جمله کوچکی جهش، مجوزی است برای آنکه مورد توهین و تحقیر قرار گیرند. کتف خود را از مراکز دستمزد تفاوت فاحشی دارد، تعیین می گردد. در موارد زیادی صاحبان کارگاهها یا مغازه ها به بهانه یاد دادن تخصص تا سالها هیچ مزدی به آنها نمی دهند. کودکان در محیط کار، همانند نظر اقتصادی ده سال به بالا در سال نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از زنگ زده اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی را به قیمتی ارزان و بی دردسر بچرخانند و خود شاید سوراخ هر چند کوچکی از حفره عمیق هزینه سرسام آور زنده ماندن خود یا خانواده شان را پر کنند.

آزمودن کودک که جمیشه با سطح از مرکز کار کودکان در ایران است. کار در کارگاههای صنعتی از جمله کوچکی جهش، مجوزی است برای آنکه مورد توهین و تحقیر قرار گیرند. کتف خود را از مراکز دستمزد تفاوت فاحشی دارد، تعیین می گردد. در موارد زیادی صاحبان کارگاهها یا مغازه ها به بهانه یاد دادن تخصص تا سالها هیچ مزدی به آنها نمی دهند. کودکان در محیط کار، همانند نظر اقتصادی ده سال به بالا در سال نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از نیزی انسانی، جدول جمعیت فعل از زنگ زده اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی را به قیمتی ارزان و بی دردسر بچرخانند و خود شاید سوراخ هر چند کوچکی از حفره عمیق هزینه سرسام آور زنده ماندن خود یا خانواده شان را پر کنند.

آزمودن کودک که جمیشه با سطح از مرکز کار کودکان در ایران است. کار در کارگاههای صنعتی از جمله کوچکی جهش، مجوزی است برای آنکه مورد توهین و تحقیر قرار گیرند. کتف خود را از مراکز دستمزد تفاوت فاحشی دارد، تعیین می گردد. در موارد زیادی صاحبان کارگاهها یا مغازه ها به بهانه یاد دادن تخصص تا سالها هیچ مزدی به آنها نمی دهند. کود

می کنند. این بخصوص در میان دختران جوان رایج است. در "هاگ فوش" ۴۲ درصد دختران گفته اند که مصرف دخانیاتشان پس از بیکاری زیادتر شده است.

از آنجا که گویا این همه مصیبت کافی نیست مطالعات جلیدی بقصد نشان دادن رابطه بین بیکاری و خطر ابتلا به مرض قند در جریان است. شاید عجیب بنظر بیاید. اما "اویان" می گوید که این قابل درک است. چرا که مرض قند از جمله وقتی عارض می شود که دفاع عمومی بدن ضعیف می شود و این ضعف مکانیسم دفاعی چیزی است که در اثر فشار عصبی، یا بعبارت دیگر در اثر بیکاری حتی گریبان آدم را می گیرد.

تحقیقات آمریکائیها هم نشان می دهد که نوزادان بیکاران در بلو تولد بطور متوسط ۱۵.۰ گرم لاغرند.

همه این مسائل که بر سلامتی بیکاران تاثیر منفی دارند هزینه هایی را به هزینه های جامعه اضافه می کنند. اما هیچ وقت هیچ کس در مورد این هزینه ها حرف نمی زند. هیچ کس هم تا بحال به صرافت محاسبه کردن این هزینه ها نیتفاذه است. "اویان" می گوید بنظر نمی آید که کسی علاقه ای به بعث در مورد بیکاری از زاویه سلامت مردم و هزینه های ناشی از بیکاری داشته باشد. فعلاً مبارزه با تورم است که در درجه اول اهمیت قرار گرفته.

#### هیچ کس بی تصریب نمی ماند.

او با عصبانیت می گوید این فقط بیکاران نیستند که باید مصائب بیکاری را تحمل کنند. خانواده هایشان، دوستانشان هم که در معرض بیکاری هستند و شاید خود ما که در گیر مساله ایم و نگرانیم، همه ما قربانیان اثرات نامرئی بیکاری هستیم. "اویان" می گوید این جوی است که در آن سلامتی همه مردم آسیب می بینند. بسیاری از پزشکان در مراکز درمانی و کارگاهات تواند تعطیل شده و در عرض چند سال ۷۰۰ شغل بکلی از بین رفته است. این تعطیلی ها همه منطقه را تحت تاثیر قرار داده و اثرات مغرب آن بر سلامتی عموم کاملاً مشهود است. تیرگیت وینگر از پیمارستان "هاگ فوش" می گوید هم تیم روان درمانی بیمارستان تمام وقت شده است و هم مراکز درمانی که کارشان رسیدگی به والدین نگران و بیکار شده است.

#### منشا بیماری

"تیرگیت" قرارست بزودی تحقیق روی بیماری های قلب و عروق در بین افراد ۳۰ ساله را در منطقه "هاگ فوش" شروع کرد.

می گویند: البته که بیکاری می تواند یکی از علل باشد که ما باید در مطالعاتان بمحاسبه بیاریم اما هنوز کار جمع آوری ناکت را شروع نکردیم. یک راه بروز رفت می تواند شرکت در فعالیتها و پروره های کمکی اشتغال باشد. مطالعات "لولنو" نشان می دهد که جوانانی که در این پروره ها مشغول بوده اند وضع سلامتی شان بهتر از کسانی است که هیچ مشغولیتی نداشته اند. "اویان" یانلت" می گوید نباید کسی غریب نزد که چرا بیکاران وقتی از صرف بازی گفت می کنند. با این کار آنها خاکل سلامتی شان را نجات می دهند. \*

افزایش را می شود با بیکاری توضیح داد اما اثباتش چندان آسان نیست.

#### افزایش فروش دارو

او اینقدر محافظه کار است که حتی از دادن شماره تلفن دانشجویانی که درست بر روی همین موضوع رابطه بیکاری و مصرف دارو تعقیق می کنند خودداری می کند. با اینحال نگاهی اجمالی به آمار فروش داروخانه در دو منطقه ای که وسیعاً مشکل بیکاری داشته اند داشته باشند یعنی "هله فوش" و "هاگ فوش" نتایج قابل تأملی بدست می دهند. در "هله فوش" در مقایسه با متوسط کل کشور دو برابر داروی آرام کننده قلب بفروش می رسد. مصرف داروهای خواب آور هم بالاتر از متوسط کل کشور است. در "هاگ فوش" فروش داروهای آرام کننده قلب و اتساع شرائین، گشاد کننده رگها، بستار بالاست.

مسائل جلدی روانی هم در جوار بیکاری بسیار پیش می آید. تشخیص پزشکان اظطراب و افسردگی بیمار است در حالیکه بیمار در اصل از بیکاری رنج می برد. بقول "بنگ استرین" به این طریق مساله اصلی مخفی می شود.

اگر بخواهیم بر اساس نتایج پژوهشها بین المللی قضاوت کنیم و تازه مساله را کوچک برآورده کنیم باید بگوییم که از هر دو فقره اقدام به خودکشی که در بهداشتی های استرس است. حاصل اند یکی بعلت بیکاری بوده است.

معنی این حرف این است که در سوئد در سال ۱۹۹۴ بین ۳۰۰۰ تا ۴۵۰۰ فقره اقدام به خودکشی وجود داشته که خلاصی از بیکاری یکی از انگیزه ها بوده است. تحقیقات انگلیسی ها نشان می دهد که بیکاران دو برابر شاغلین به پزشک مراجعه می کنند. با این حق ویزیت های گران که بیکاران می استطاعت پرداختش را ندارند این شاید دیگر در مورد سوئد صادق نباشد. این را تبکت استرین اظهار می دارد و به نقل از یک دنیانویزش که می خواسته دو دنیان یک بیمار پرداخت هزینه کشیدن یک بیمار فقط توانانی دنیان خراب دیگر شر جایش ماند.

#### مرگ زودرس

حتی مرگ هم مساوات را رعایت نمی کند. بیکار دو برابر شاغل در معرض خطر مرگ است. این را تحقیقاتی که در فنلاند، دانمارک و آلمان انجام گرفته نشان می دهد. هر چقدر هم که آمار را به بهانه های مختلف از جمله با ملاحظات مربوط به درجه تحصیلات و سن و غیره بزرگ کنیم باز این حقیقت خودش را نشان می دهد. بقول "اویان" یانلت" وقتی بیکار باشید خطر مرگ زودرس بیشتر تهدیتان می کند. "یانلت" خودش حساب کرده است که پارسال دستکم ۲۰۰ نفر بعلت بیکاری، زودتر از موعد مرده اند. این رقم با محافظه کاری محاسبه شده است، احتمالاً این تعداد بیشتر از ۲۰۰ است. بیکاران ۳۰ درصد بازنشستگان پیش از موعد را تشکیل می دهند. آنها بیشتر از بیمار مرضی می شوند.

#### صرف الكل و دخانیات

مردان جوان بیکار به ویژه در معرض خطر مصرف الكل و مواد مخدر قرار دارند. مطالعاتی که در "لولنو" توسط آن هاماشرتر تروم" انجام شده است نشان می دهد که مردان جوان، چهار برابر شاغلین الكل مصرف می کنند در بین آنها مصرف کنندگان حشیش سه برابر بیشترند. در آمارگیری "هاگ فوش" یک نفر از هر پنج بیکار شدن افزایش یافته است. بیکاران بعلاوه توتون بیشتری هم مصرف

## بیکاری ای که آدم می کشد

در طول سال ۱۹۹۴، در سوئد خاکل ۲۰۰ نفر از بیکاری مرده اند. خیلی ها از سکته قلبی و از فرط تنشهای عصبی چنان داده اند.

۳ هزار نفر از فرط افسردگی ناشی از بیکاری اقدام به خودکشی کرده اند. بیکاری بطرق دیگر هم بر سلامتی تاثیر می گذارد: از هر پنج نفر یک نفر قرصهای آرامبخش مصرف می کند، فروش یکی از داروهای زخم معده رکورد شکسته است و تنفس عصبی ناشی از بدی وضع اقتصادی دائم افزایش می یابد.

#### چاقی ناشی از افسردگی

تنفس عصبی علاوه بر این موجب عارضه دیگر هم می شود. برخوردی عصبی بهمراه زندگی غیر فعال باعث می شود که بیکاران اضافه وزن پیدا کنند. این پذیره موجب می شود که ارزش خون بیکاران پائین بیاید. آنچه در رگهای بیکاران جوان دارد خونی با چربی زیاد و پراز هورمون های استرس است. اما در اینجا ما اینکه بیکاران بیشتر از بقیه دچار بیماریهای قلب و عروق می شوند. اگر بخواهیم تنایی در حقیق گستره در انگلستان در دهه ۸۰ را خیلی محاطه انانه بکار ببریم باید بگوییم که خاکل ۲۰ نفر از کسانی که در سال گذشته از سکته قلبی در گذشته اند جانشان را بخارط بیکاری از دست داده اند. در آمریکا مطالعاتی که در گذشته اند جانشان را بخارط بیکاری از دست داده اند. در سوئد بر سلامتی مردم چه تاثیری داشته است. این تاثیرات مغرب بر سلامتی خرج بر می دارند، خرج هنگفت و عناب بسیار برای کسانی که دچارش می شوند. نیروهایی وجود دارند که این بیکاری را بعنوان نوعی فشار انطباط دهنده بر نیروی کار و عاملی که سطح تورم را پائین نگه می ندارد، طلب می کنند. "بنگ استرین" پروفسور در رشته سلامتی مردم در کارلستاڈ می گوید: اما یک سووال بجا از سیاستمداران این است که آنها چگونه می توانند این عناب و این گرانی را که بیکاری با خود به همراه می آورد بینیرند.

بیکاری، بیکاران را به دو طریق آزار می دهد. از یک سو به شکل فشار اقتصادی. چگونه انسان از عهله اجاره خانه و خرج لباس برای بجهه ها و غذای در سفره پر آید؟ از سوی دیگر بشکل خجالت نداشتن کار که در عین حال می گویند که بنوعی از مشکلات روانی در رنج هستند. زنان عملتاً دچار بیماریهای روانی تهاب معده، ورم مفاصل، سردد و بیخوابی مثل شده است که نشان می دهد منجذب تعداد بیماران قلبی مستقیماً میخواهند بیکاری را در میان زنان شوند. بقول "اویان" یانلت" مسائل آنها تعقیب می کند. چند سال بعد از اوج سطح بیکاری از دست داده اند. در سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ تعداد بیماران قلبی هم به اوج خود می رسد. یعنی تعداد بیماران قلبی را که میزان بیکاری را که بیکاری در سوئد در رشته سلامتی پیش از این تعداد بیکاری را که بیکاری در سوئد در اینجا می دهد. این می گویند که ما با آنها مصاحبه کرده ایم می گویند که ۲۴ ساعته مثل سیم ویلن در تنش هستند. آنها از فشار عصبی، بی قراری و بیخوابی رنج می برند. آنها آرزو دارند که بتوانند یک دم راحت بیاشند و آرام بگیرند.

#### فشار خون بالا

تنفس و بی قراری منجر به افزایش فشار خون می شود. هر چه مدت زمان بیکاری طولانی تر باشد فشار خون بالاتر است، بخصوص کسانی که بین ۳۰ تا ۴۵ سال سن دارند دچار فشار خون بالا هستند. میانسالانی که نان آور دیگران هم هستند بیشتر از همه تحت فشارند. فشار خون آنها بیشتر از فشار خون بالاتر است، بخصوص کسانی که خودشان می گویند که حالشان خوب است. این گروهی از بقایه "یانلت" زیر فشار شدید بیکاری بسر می برد. فروش داروهای زخم معده به افراد بین ۲۵ تا ۳۵ ساله افزایش چشمگیری داشته است. مصرف داروهای مربوط به فشار خون و بیماریهای قلبی وجود افزایش زیادی داشته است. در مجموع افراد بین ۲۰ تا ۳۵ ساله بیشترین مقدار دارو را مصرف می کنند. این گروهی است که به گفته "یانلت" زیر فشار شدید بیکاری بسر می برد. فروش داروهای آور از همه در فشار خون بالا رفته است. در مجموع افراد بین ۲۰ تا ۳۵ ساله بیشتر از دیگران افزایش نشان می دهد، علیرغم اینکه خودشان می گویند که حالشان خوب است. "اویان" یانلت" محقق در زمینه بیکاری و سلامتی مردم می گوید این گروه در سن و قدر قرار دارد که مطابق انتظارات این جامعه مصرفی آدم باید تا آن سن کارهای شده باشد، خانواده ای تشکیل داده باشد و ویلا و قایق و ماشین و کارواونی دست و پا کرده باشد.

۱۰) جلسه اضطراری ساعت

صیغ کمیته نمایندگان شوراها و تصویب مسائل بالا و شروع فوری اقدامات عملی و فراخوان کمیته به مردم

۱۱) تنظیم یک بیانیه با مفاد

بالا:

۱۲) انتخاب هیاتی و ارسال نزد

جبهه برای بحث بر سر مسائل فوق و رفع مزاحمت و کارشکنی و ایجاد

هماهنگی برای مقاومت

۱۳) یک نامه سرگشاده به رهبران

جبهه جلال طالبانی و مسعود بارزانی

۱۴) ارسال نمایندگانی به اربیل و

۱۵) اعلامیه محکومیت مجاهدین

۹ فروردین ۲۹ مارس)

جنگ کرکوک شدت یافته دولت مدعا

است کرکوک را بازیس گرفته و جبهه

ایها می گویند دولتها به شهر نفوذ کرده

اند.

دولستان می گویند وضع جبهه ها

خوب نیست - ناهماهنگ وجود دارد.

پیشمرگان کم انداز - جاشاهای سابق خود

را بخطر نمی اندازند - تنها راه نیروی

مسلح توده ای است بشرطیکه سازمان

یابند و مردم استقلالشان حفظ شود و

حرمتshan و اعتقاد به نفسشن.

پادگان خالد در حومه کرکوک را

بخاطر همین ناهماهنگی و آماده نبودن

نیرو برای تقویت و تعریض از دست دادند.

شهر کرکوک نیروی چندانی ندارد.

(نیروی پیشمرگ ۲۰۰۰ نفر خسته، افواج

عشاير خیلی زیاد اما بی پرنسیب، نامنظم،

لپن، غارتگر - نیروی زرهی و توبخانه:

ضعیف و غیر تخصصی - توده های

مسلح نامنظم خیلی زیاد اما بی سازمان

- ضعف دفاع هوایی و... مردم وسیعا

شهر را تخلیه می کنند. توب باران،

سباران و موشک اندازی کشته و زخمی

زیادی از مردم گرفته.

جبهه چشم کم به آمریکا دوخته

و تائید او، چشم انداز دیبلوماسی و کمک

خارجی برای جبهه تاریک است و

نماینده نیست ها اگر این را نداشته باشند

روحیه شان را می بازند و افقشان تاریک

می شود. آنها عقیده توانند توده ها با

نیروی خود می توانند انتقام را به

سازنچام برسانند و از آن دفاع کنند.

نماینده نیست ها این بی اتفاق خود را

یا در واقع اتفاق پیروزی تها با کمک

خارجی و تائید آمریکا ممکن است را به

جامعه تلقین کرده اند. بهمین دلیل این

روزها عکس بوش خردبار دارد و وسیعا

پخش شد. عکس بوش بهمراه جلال طالبانی

و ملا مصطفی بارزانی. تعدادی از افراد

مسلح و مردم هم عکس بوش را به سینه

خود می زندن. بنظر می سند تا حالا

توافقی بین اپوزیسیون کرد یا سراسری

عراق با اپرالیستها نشده و هر دو

طرف متنظر توان قوا هستند. اما آمریکا

ترجیح می دهد حکومت مرکزی قدرتمندتر

بسیاند و از به اصطلاح تجزیه عراق پرهیز

شود و بخصوص اسلامیها در جنوب

کاری توانند بکنند و کرده اند زیاد پا

نگیرند - آمریکا خواستار عراقی با

ثبات با یک حکومت مرکزی مسلط بر

اووضاع است اما ترجیح می دهد بدون

ریس فعلی کشور باشد.

آخرین خبر: نماینده "جهنه" در سیلیانیه

در نشستی با گروه مهندسین گفته: ما

نماینده هستیم و از آبادان کردن و بازسازی

سرمان نمی شود. مملکت دست شما

آبادانش کنید. مردم بروستها بر می

گردند. طرح خانه سازی خوبی به آنها

بدهدید. وضع مالی هم خوب نیست. ضمناً

گفته می خودمختاری می خواهیم به

اضافه ۳۰ درصد در آمد نفت برای کردستان

و نیروی نظامی خودی در کردستان! \*

۸ فروردین ۲۹ مارس)

یک بحث کوتاه: ارزیابی از وضع

کنونی و وظایف شوراها:

جنگ شورایی روحیه مردم را بالا

برد و بینان آورد. نماینده نیست ها

به شورا تعریض کردند و مردم را مایوس

و سنت نمودند - آنها گفتند شما

بنشینید ما درست می کنیم - چند

حقه عمر شورا جانی به مردم برای

ادامه انقلاب داد و "جهنه" این تناول را

تضعیف کرد. جبهه در جنگ نشان می

دهد که قدرت دفاع لازم را ندارد و نمی

تواند جلو یورش را بگیرد اما نمی

خواهد اعتراف کند که بدون مردم نمی

تواند بجنگد. حالا ریاکارانه می گردید

سلامه هایتان را بیاورید به ما بدهید تا

بجنگیم، گویا مشکل کمبود سلاح است.

در حالیکه بطور واقعی مشکل نمیگیند،

سازماندهی نامناسب، ناهماهنگی، فرار

از جبهه و ناتوانی در جمع آوری افراد

مسلح بخصوص جاشهای سابق است. در

یک فراخوان به ۱۵۰۰ نفر از اینها فقط

جمع کرده اند - اسامی بیکاران

محلات را می نویسند و آمار بی

مسکنها را، در فکر ایجاد تعاوی

صرف و صنایع تعاوی و توزیع

مواد خوارکی به قیمت ارزان است.

درمانگاهها کار می کنند. در یک

محله سلامی دایر کرده و مجانی

اصلاح می کنند - امروز ۴۰ نفر

مجانی اصلاح شده اند. افراد پاسوک

کارگران سلامی را تحریر کرده اند

و آنها هم پاسخ داده اند. همچنین

افراد پاسوک و سایر افراد از اینها

برای آوارگان را در محله "ملک

کنی" ضبط کرده و خود به تقسیم

آن پرداخته و شاید خیف و میل

کرده اند، به مردم محله گفته اند

شما نباید دور و برآورده ها بیلکید.

..

- کمیته نماینده بیکاران شورا

آموزش داده شوند و فرماندهان تعیین

گردند. نماینده کارگران هنوز

جله گرفته اند و تصمیم گرفته اند

برای ایجاد تعاوی مصرف صندوق

دایر کنند و از مرز خوارکی ارزان

پخرند و توزیع کنند. بوضع بیکاران

رسیدگی گفته اند. دسته های مسلح

شورا را به جنگ کرکوک بفرستند.

روزگارند شورا را در بیاورند.

هنوز با احزاب جبهه مذاکره

نکرده اند - اختلافاتی با هم دارند

- عده ای میگویند بنده ها را

بینیم (رأی نیاورده) و یکی گفته

جهنه چپ درست شود اما توافق

حاصل نشده.

- نیروی نظامی شورا با نیروی "جهنه"

همانگ شوند - بزرگ آریکه مذکور

بحث اساسی ما امشب حمله

دولت به کرکوک است جلد نداده

جنگ مقاومت - بقیه مسائل تقریبا

- به جنگ مردم عرب کمک شود.

سرکوب جنبش در مرکز و جنوب خطر

حمله به شمال را بیشتر می کند و آسان

می کند.

مشکل کنونی و کبودها:

۱۱) سلاح کم است. ۲) مهمات کم

است. ۳) فرمانده کم است.

سلاحهای موجود جمع آوری شود و

به افراد ملاحظه: کار تبلیغ و تدارکات

و توزیع و گرسنگی مردم کماکان جزو

اولویت هاست و در خدمت جنگ مقاومت

است نباید کمتر شود.

خواربار مردم فقیر تامین شود -

آواره ها اسکان داده شوند و تامین شوند

تعاویها و توزیع خواربار ارزان

تصمیمات:

کماکان مورد تعرض افراد جبهه

قرار می گیرند - بنده شورای "جهنه

رگه ته" (یکی از محلات سیلیانیه)

را دو بار بسته اند اما کارگران با

پوشش پنهانی که در محل بنده

است کماکان جمع می شوند - به

شورای "جهنه" (یکی از محلات

سیلیانیه) تعرض شده و یک اطاق

از محل بنده را اشغال کرده اند

برای کارشکنی وجود دارد.

جنگ شورا جانی به مردم را

تهدید کرد. جبهه در جنگ شورا

هم نیز می شود - اینها

نیروی نظامی شوراها را

تهدید کردند - بنده شورا

نه چندان کمی

# نشریه راه کارگر، مبارزات کارگران صنعت چاپ، و تشكل قانونی

مقدمة

۱۳۶۷، اسفند ۴۸، شماره کمونیست، نشریه: ز

کارگران از مبارزات خویش درس میگیرند و تجربه می‌اندوزند. این تجربه به کارگران دیگر منتقل می‌شود و آنها در مبارزات خود بر آن اتکا می‌کنند. تجربیات طبقه کارگر در مبارزه بر علیه سرمایه داران انتوخته مبارزات کارگران در بخش‌های مختلف است. کارگران در مبارزات خویش به نقاط قوت و ضعف خود پی می‌برند.

بررسی مبارزات کارگری، باید علی  
ضعف و قدرت کارگران را نشان دهد  
و به آنها بیاموزد که چگونه می  
توانند بر ضعفهای خود فاتق آیند.  
 واضح است که احزاب و سازمانهای  
سیاسی از یک مبارزه کارگری نقدهای  
متفاوتی بدست میلهند. همین تفاوت  
نشان میدهد که هر سازمان و حزب  
سیاسی در کجا ایستاده است. بررسی  
مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران  
برای تشکیل سندیکا، در فاصله بهمن  
۵۷ تا بهمن ۶۰، یکی از این نمونه  
ها است. حزب کمونیست ایران در  
نشریه کمونیست شماره ۳۵، دیماه  
۱۳۶۶، طی مقاله‌ای بنام "مروری بر  
مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران"  
و سازمان کارگران انقلابی ایران در  
نشریه راه کارگر شماره ۵۸، دیماه  
۱۳۶۷، در مقاله‌ای بنام "نگاهی به  
مبارزات کارگران چاپ و چگونگی  
سازماندهی آنها"، این مبارزات را  
مورد بررسی قرار داده اند.

نشیره راه کارگر پس از بیان فشرده ای از مبارزات و تشكل کارگران چاپ از دوران مشروطه تا قیام بهمن، فعالیت کارگران چاپ را برای ایجاد سنتیکا پس از قیام بهمن، چنین روایت میکند: در بعد از انقلاب بهمن، کارگران چاپ به منظور بربایی سنتیکا، مجدها وارد میدان شدند...اما مبارزات کارگران چاپ برای تشکیل یک سنتیکای واقعی، چه در خانه کارگر و چه در جاهای دیگر با شکست همراه بود. و این در حالی بود که کارگران چاپخانه های بزرگ نیز به مبارزات چاپخانه های کوچک پیوسته بودند و خواسته های خود را با آنان هماهنگ میکردند. بخش آگاه کارگران اغلب در همکاری با نیروهای سیاسی قرار گرفتند و دیگر افشار کارگران بطور منفرد بسر می بردند، اما سازمانهای سیاسی نیز هیچکلام بیر مبنای خواست کارگران حرکت نمی کردند و در جهت ایجاد تشكل مستقل کارگران گام برزنیداشتند. آنها بر عکین، درگیر مسائل فرقه ای خود بودند و کارگران چاپ در این راستا از پشتیبانی نیرومندی برخودار نبودند. در کهای محلود و انحرافی نیروهای سیاسی و بعثهای فرقه ای آنها باعث اتفاعل اکثر کارگران چاپ گردید. در این حال هنوز یقانیان سنتیکای قبلی؛ علاوه بر مقاومت جدی رژیم ضد انقلابی جدید، در بربایی سنتیکا مانع جدی بود. رژیم اسلامی نیز که از ابتدای بقدرت رسیلن سیاست ضد کارگری خود را بروز میداد، همچون رژیم شاه نسبت به کارگران چاپ حساسیت ویژه داشت و همانطور که خواهیم دید این رژیم علیرغم تاکتیکهای متعدد کارگران، به انحصار مختلف، تا برچین آخرين یقانیان تشكل های کارگری - و از جمله چاپ - مانع تشكل آنها می گردید.

که از پر جنب و جوش ترین دوران تاریخ مبارزات کارگری ایران است، کارگران صنعت چاپ چه میگردند.

آن مسئله مهم و قابل توجهی که رد پای آن در مبارزات کارگران صنعت چاپ و بویژه در دوران پس از قیام بهمن نیز مشهود است، اسیر بودن کارگران در قید و بندھای «قانونی گرایی سندیکایی» و به تبع آن دعوت خود کارگران از بورژوازی برای دخالت در امور کارگران است. نشریه راه کارگر به این ضعف مبارزات کارگران چاپ اشاره نمیکند و آنرا «درز» میگیرد.

کارگران صنعت چاپ نه تنها قبل از قیام شتوانستند سندیکای دوران شاهی را منحل کنند، بلکه پس از قیام نیز که قصد انحلال آنرا داشتند با این استدلال هیئت مدیره سندیکای دوران شاهی مواجه شنند که بر اساس ضوابط و مقررات سندیکا هنوز ملتی از وقت قانونی نمایندگی آنها باقی است، و تنها هنگامی از کار کناره گیری و اسناد و اموال سندیکا را تحويل خواهند داد که سندیکا از طریق طی شدن پروسه طبیعی و قانونی و اجرای مقررات خود سندیکا منحل شود، و سندیکای جلید نیز بر اساس مقررات سندیکا تشکیل شود. یکی از این مقررات، تشکیل سندیکا در حضور نماینده رسمی وزارت کار و رسمیت یافتن آن از جانب وزارت کار بود.

طبعاً اگر کسی با مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران آشنا نباشد، نمیتواند پاسخ اینگونه سوالات را از روایت نشریه راه کارگر دریابد. پاسخ چنین ستواناتی در آن بخش از مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران که نشریه زاه کارگر بیان نکرده و یا غلط روایت کرده، نهفته است. روایت ناقص نشریه راه کارگر و سکوت او در مقابل ضعفهای مبارزات کارگران چاپ برای تشکیل سندیکا علت دارد. نقد و بررسی مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران برای تشکیل سندیکا در فاصله سالهای بهمن ۵۷ تا بهمن ۶۰، اساساً نمیتواند جدا از نقد و بررسی ضعفهای جنبش سندیکایی که نشریه راه کارگر یکی از مبلغان و مدافعان آن است، صورت پذیرد. مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران در دوران انقلاب برای ایجاد سندیکا در مقایسه با بسیاری از مبارزات کارگری در دیگر بخشها، مقایسه‌ای است بین پرایک دو گرایش رادیکال و کمونیستی از یک طرف و گرایش رفرمیستی و محافظه کار از طرف دیگر. نشریه راه کارگر در نقد و بررسی مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران برای تشکیل سندیکا باید مواضع خود را مورد نقد و بررسی قرار میداد. این نشریه، به قیمت روایت غلط از مبارزات کارگران چاپ، از این کار طفه رفته است.

مبارزات کارگران چاپ برای ایجاد سندیکا را، پس از قیام بهمن ۵۷ تا

این در شرایطی بود که تشکل  
های کارکنان وزارت خانه ها که در طول  
مبازه با رژیم شاه رهبری اعتصابات  
را بهده داشتند حتی وزرای دولت  
بازرگان را بعضا با اکراه می پذیرفتند  
و یا زیر بار تصمیمات این وزرا  
نپیرفتند. پادگانهای تهران توسط قیامی  
که خود کارگران چاپ نیز در آن فعال  
بودند، تصرف شده بود. سیاری از  
کارخانجات بست کارگران اتفاقه بود  
و راسا توسط خود کارگران اداره میشد.  
هنوز رژیم اسلامی موقق نشده بود  
اسلحة ها را از دست مردم در آورد.  
سازمانهای سیاسی بعضاً با اسلحه و  
بطور علنی از دفاتر خود حفاظت  
میکردند. نظام شاهنشاهی برچیده شده  
بود و کشور دارای قانون اساسی نبود  
و اصولاً قانونی بر نظام کشور حکمفرما  
نیود و غیره. هر کس که حتی کمی  
او ضاع و احوال روزها و ماههای بعد  
از قیام را به یاد داشته باشد میتواند  
حدس بزند که استلالهای هیئت مدیره  
سنديکای دوران شاهی تا چه اندازه ای  
مسخره بود. اما متأسفانه کارگران  
چاپ و هیئت موسس سنديکا همان  
ضوابط را رعایت کردند. با دست خود  
و تازه پس از ملتی "دوندگی" از  
وزارت کار رئیسی که هنوز حتی شکل  
نگرفته بود، خواستند که نماینده ای  
را برای رسیت یافتن انتخابات و

سنديکا به جلسه انتخابات بفرستد.  
کاری را که رژیم اسلامی باید میکرد،  
کارگران چاپ کردند. رئیسی که می  
باید "دوندگی" میکرد تا کارگران او  
را به رسمیت بشناسند، با کارگرانی  
روپرتو شده بود که "قانونی گرایی  
سنديکایی" به آنها حکم میکرد که با  
"ساجت" از او بخواهند. سنديکایشان  
با رسمیت بشناسد.

هیئت موسس قصد داشت کارگرانی که برای هیئت مدیره سندیکا انتخاب میشوند حداقل مورد تائید کارگران محل کار خود باشند. بهمین خاطر مقرر کرده بود هر کاندیدا باید از جانب کارگران محل کار خود از طریق جمع آوری امضا مورد تائید قرار گیرد. در جلسه انتخابات، هیئت موسس با کاندیدا شدن اعضا هیئت مدیره سندیکای دوران شاهی که این تائیدیه را نداشتند، مخالفت کرد. اما نمایندگان دوران شاهی با اتکا به همان مقررات سندیکا اجازه ندادند که هیئت موسس سندیکا حتی از کاندیدا شدن آنها جلوگیری کند. چرا که ضابطه هیئت موسس مخالف مقررات سندیکا بود. هیئت موسس برای رسیت یافتن سندیکا و انتخابات از جانب وزارت کار چاره ای جز رعایت مقررات سندیکا و گردن گذاشتن به خواست کاندیدا شلن هیئت مدیره سندیکای دوران شاهی نداشت. تنیله شدن این مقررات سندیکایی به دست و پای کارگران صنعت چاب تهران باعث شد آنها با وجود سوابق طولانی مبارزاتی نه تنها قبل از قیام بلکه ۶ماه بعد از قیام آنهم به گونه ای که گفته شد، سندیکای خود را تشکیل دهند. نشریه راه کارگر وجود این سندیکا، و چگونگی تشکیل و فعالیت آنرا که بسیار درس آموز است، درز میگیرد. درز گرفتن این مسائل از مبارزات کارگران صنعت چاب از جانب نشریه راه کارگر که خود مبلغ قانونی گرایی سندیکایی است امری قابل انتظار است. اما شاید گفته شود که نشریه راه کارگر بنا به دلایلی، از جمله بی اطلاعی، به سندیکایی که کارگران چاب در مرداد ماه ۵۸، تشکیل دادند، اشاره ای نکرده است و لاجرم نیتوانسته به چگونگی تشکیل آن و انتقاداتی که احتملا به آن داشته، پیردازد. باید گفت، اما نشریه راه کارگر به سندیکایی که کارگران در بهمن ماه ۵۹ تشکیل دادند که اشاره کرده است. دعوت کارگران از وزارت کار در پروسه تشکیل این سندیکا با سندیکای قبلی فرق اساسی نداشت. بینید آنرا چگونه روایت میکند و چه انتقاداتی به پروسه تشکیل آن دارد.

مِنْزَةٌ

داد در هیئت مدیره ادامه یافت.  
نتیجه آن شد که سنديکا خود را  
منحل اعلام نکند، اما هیئت مدیره  
برگزاری یک انتخابات را تدارک بینند.  
البته نه برای گرفتن یک رای اعتماد  
مجدداً از کارگران بخاطر ادامه فعالیت  
همان سنديکایی که قبلاً هم توسط  
رژیم اسلامی برسمیت شناخته نشده  
بود، و نه برای آماده شدن برای  
مقابلة با رژیم اسلامی، بلکه برای  
قانونی کردن سنديکا از طریق تسلیم  
در مقابل بورژوازی و به قیمت باز  
کردن دست او در اموری که تنها به  
خود کارگران مربوط است.

اوپاع و احوال باعث شده بود تا گرایش رفرمیستی آنچه را که برای گرایش رادیکال یک پرنسیب بود، بعنوان یک راه حل، برای بیرون رفتن از مخصوصه ای که در جلسه انتخابات دچار شده بود، پیندیرد. اما «کابوس» اینکه وزارت کار سندیکا را برسمیت نشناخته است و سندیکا غیر قانونی است یک دم گرایش رفرمیستی را تنها نمی گذاشت. وزارت کار با غیر قانونی خواندن همان سندیکایی که قبل از آنرا برسمیت نشناخته بود، گرایش محافظه کار و رفرمیستی را، بلون درس گیری از مبارزات قبلی، به جای اول خود برگرداند. دوباره تلاش برای اجازه گرفتن از وزارت کار برای برگزاری انتخابات و تشکیل سندیکا آغاز شد.

با عنلني شلن تصميم سنديكا  
ميني بر برگزاری انتخابات، جبهه  
ضد کارگران که توده ای ها و اکثریتی  
ها را هم در بر میگرفت فعال شدند.  
اینها عضوی از هیئت مدیره سنديکا  
سابق که استاد (همان استادی که  
نماینده وزارت کار بخاطر نبودن آنها،  
از نظرات بر انتخابات خودداری کرد)  
سنديکا قبلی در اختیار او بود را  
نیز با خود داشتند. این جبهه ضد  
کارگری با اتکا به در اختیار داشتن  
این اسناد تصمیم گرفت با جمع  
آوری امضا از نصف بعلاوه یک  
اعضای سنديکا، بعنوان یک هیئت  
موسس، انتخابات سنديکا را خود  
برگزار کند. نشریه راه کارگر به نادرست  
روایت میکند که این جبهه ضد  
کارگری برای تشکیل انحصار اسلامی  
بود که در صدد جمع آوری امضا از  
کارگران برآمد. این یکی دیگر از  
اشبهای روایتی این نشریه است.  
این جبهه ضد کارگری را کارگران با  
اعتراض خود و امتناع از دادن  
امضا به آنها، طرده کردند. پس از  
شکست اقدامات این جبهه ضد  
کارگری و جمع آوری موفقیت آمیز  
امضا توسط هیئت مدیره (هیئت  
موسسان)، وزارت کار حاضر شد  
فرمای انتخاباتی را در اختیار آنها  
پیگذارد. در انتخاباتی که برگزار شد  
یک حزب الهی به لطف آرای توده  
ای ها و اکثریتی ها توانست وارد  
هیئت مدیره شود. سنديکا تشکیل  
شد و وزارت کار هم آنرا برسمیت

نشریه راه کارگر به کارگران چاپ  
انتقادی ندارد که چرا وقته رژیم  
اسلامی سنبلیکای آنها را غیر قانونی  
اعلام کرد، دوباره برای اجازه گرفتن

گفتیم، در اوایل مرداد ۵۸ تشکیل  
د و تقریباً تا پائیز ۵۹ دوام داشت.  
سرمه راه کارگر برای پنهان کردن علت  
سیست شناخته نشدن سنديکا ولاجم  
نکاردن به قانونی گرایی سنديکایی،  
مقدار نیکند ربط این دو سنديکا را از  
مش قطع کند. اما ناخواسته پای سندیکای  
ملی و مجموع اعضای آنرا بیان  
بکشد، که نشان دهد حق با او بوده  
است. این تنها یک قوت قلب برای  
رنده ای است که معیارهای قضاآتش  
هنوز قانونی گرایی سنديکایی تعیین  
بکند، بازنده ای است که نمیخواهد و  
نمیتواند علت ناتوانی خود را عینتا

ک کند.

سنیکای دوم کارگران صنعت چاپ  
با وجود برسیت شناخته نشدن از  
تاب رژیم تشکیل شد، مدت چهار ماه  
مالیت کرد. هنگامیکه سنیکا در  
مارک برگزاری اول ماه سال ۶۰ بود،  
بیم اسلامی سنیکایی را که برسیت  
شناخته بود، رسماً غیر قانونی اعلام  
کرد. در جریان فعالیت و تشکیل این  
سنیکا گرایش رادیکال در میان کارگران  
آپ با اتکا به اعمال رژیم اسلامی و  
عربیات خود کارگران، توانست گرایش  
حافظه کار را قانع کند که صلاحیت  
سنیکا و نمایندگان آن باید مورد  
شید کارگران باشد، نه رژیم اسلامی  
وزارت کار، و باید با وجود مخالفت  
بیم اسلامی سنیکا را تشکیل داد.  
سنیکا پس از تشکیل، تمام تلاش و  
نشست خدمت ایکا، بد تا به کارگران

کنکا کند و از طرف کارگران دارای قانونیت و صلاحیت باشد. هیئت مدیره جلسات هفتگی گزارشی از کارهای خود را ارائه می نمود، مشکلات و وانعی که در سر راه وجود داشتند را برخیرد و به بحث می گذاشت. هیئت مدیره از این طریق تلاش می کرد کارگران در امور سندیکا داخلت داشتند و فعال شوند. از آنجا که وزارت رستندیکا را برسمیت نمی شناخت و را غیر قانونی میدانست، سندیکای ارفرمایان طی پخششانه ای از صاحبان ایجادگان سندیکا در چاپخانه ها شکایات کارگران ممانعت بعمل آورند. اما اینها هیئت مدیره را تسلیم نکرد بلکه در مواردی سندیکا را به دلسرد نساخت. سندیکا خود را به ارفرمایان تحمیل کرد. سندیکا با سندیگی به مشکلات و شکایات کارگران دفاع از مبارزاتشان و نفوذی که از ن طریق در میان کارگران کسب کرد را در تدارک برگزاری مراسم افتتاحیه سال ۱۰ بود. هیئت مدیره داشت برسمیت شناخته نشدن خود در روز کارگر بعنوان یک مسئله محوری مطرح کند و وزارت کار را ملا بعنوان نماینده کارگران پیشیرد. سندیکا در تدارک برگزاری مراسم افتتاحیه سال ۱۰ بود. هیئت مدیره صد داشت برسمیت شناخته نشدن خود در روز کارگر بعنوان یک مسئله محوری مطرح کند و وزارت کار را ملا نماید. اما قبل از فرارسیدن روز افتتاحیه، وزارت کار طی یک بیانیه سندیکا را رسمیا و علناً غیر قانونی معلام کرد. هیئت مدیره در عکسی که بیانیه وزارت کار تصمیم خود بنبی بر فراخوان به تظاهرات را، که نتوی آنرا علنی نکرده بود، لغو کرد و تصمیم گرفت که در روز کارگر، یک پیشینگ برگزار کند. در روزهای بعد

مین دلیل هیئت موسس از وزارت ار خواست تا این استناد را از آنها گیرد و به جلسه انتخابات بیاورد. یویا آنها این استناد را در اختیار وزارت کار هم قرار ندادند! بنابراین، قول بعضی از دوستان، "دانستان" طور که نشریه راه کارگر روایت ییکند، نبود؛ نماینده وزارت کار قبل اینکه انتخابات برگزار شود و هیئت مدیره ای انتخاب گردد، برگزار شدن انتخابات را مورد تائید قرار نداد. از گران به این عمل نماینده وزارت از اعتراض کردد و علیرغم آنکه او نه انتخابات را برسمت نشناخت،

نتخابات را برگزار کردند و هیئت مدیره را تعیین نمودند. بنابراین مخالفت نماینده وزارت کار نمیتوانست بخاطر رکیب هیئت مدیره ای که انتخاب شد (و البته "مطابق میل" رژیم نیز بود) باشد.

متاسفانه هیئت موسس سنديکا ر آن زمان مایل نبود به مقررات و سوابط سنديکا خذش ای وارد شود و شریه راه کارگر امروز نه فقط به نونی گرایی سنديکایی انتقادی ندارد، بلکه آنرا از حمله کارگران پنهان میکند. با نماینده وزارت کار کاری برخلاف سوابط و مقررات سنديکا، که نشریه کارگر هنوز هم آنرا قبول دارد، بجام داد؟ خیر. بر اساس قانون و مقررات سنديکا تعیین ضوابط، تاریخ برگزاری انتخابات، دعوت از اعضاء فاکتور، هم انتخابات، از حمله حقیر

ترخیون به استدای پنجه از بینه خود اختیارات هیئت مدیره است. بر اساس همان مقررات سنديکا، تعیین مسوّبّط و برگزاری انتخابات و فراخوان اعضا برای انتخابات و غیره برای شکلی سنديکای جدید، هنگامی بیتواند مستقل از هیئت مدیره سنديکا توسط یک هیئت موسس انجام بود که آن هیئت موسس بتواند از بیان اعضای سنديکای فی الحال بوجود (و نه هر کارگری) به میزان صفت به اضافه یک عضوگیری کند. استدلال نماینده وزارت کار در جلسه انتخابات به همین مقررات متکی بود به همین دلیل خواستار استناد سنديکا داد تا صحت و سقم مستثنی روشن بود. در آن زمان کارگران چاپ و رازت کار هر دو (او امروز پس از ۷ مال روشن میشود که نشریه راه کارگر نیز) قوانین و مقررات سنديکا را بیول داشتند. نماینده وزارت کار از مقررات عدول نکرده بود، بهمین خاطر ارگران نماینده وزارت کار را به دادگاه کشانند. چرا که کارگران میدانستند در دادگاه بازنشه خواهند بود. رژیم اسلامی با اتفاق به قانونی گرایی سنديکایی و به دلیل فقدان استناد زم، سر کارگران را به همین سادگی سنگ کویید. فقدان استنادی که، بود وزارت کار در اینکه این استناد ر جلسه انتخابات نباشد تا نماینده ش بتواند به آن استناد کند، دست اشت. با این اوصاف خواننده میتواند معنی جمله زیر را که خود نشریه راه ارگ توضیحی درباره آن نداده است، رک کند. "تعداد شرکت کنندگان در بن مجمع عمومی بیش از مجموع اعضای سنديکای قبلی بود". البته نظور این نشریه از سنديکای قبلی، سنديکای دوران شاهی نیست، بلکه

نمایه داران برای گردن گذاشتن به خواست کارگران که، دولت و سرمایه اان باید تشکلهای کارگری را بدون عج قید و شرطی برسمیت بشناسند. همانها باید از جمله اصول خلشه ناینپیری مدد که کارگران همچوگاه ناید آنرا پا گذاردند. دعوت از نمایندگان است برای تعیین صلاحیت نمایندگان صحبت انتخابات دست بورژوازی را می گذارد تا هرگاه نمایندگان برد نظر سرمایه داران سر از صندوق نیاورندند، انتخابات را باطل کند و کارگران را در مبارزه برای ایجاد نیکای انتخاب نمایندگان واقعی

د به سنگ پکوید.  
نشریه راه کارگر، چنین وانمود  
کنند که گویا علت برسمیت شناخته  
ملن انتخابات از جانب نایانده وزارت  
ر، عدم تایید ترکیب هیئت مدیره  
بود که انتخاب شد. گیریم چنین  
که نبود \_ اما آیا خود این  
را شاهدی علیه توهمنات قانونی گرایی  
سنديکایی که به ناچار پای بورژوازی  
نیز در امور کارگران باز میکند،  
است؟ واضح است که همین امر نیز  
یه قانونی گرایی سنديکایی حکم  
کنند. اما چرا نشریه راه کارگر، با  
بود تلاش برای تبرئه قانونی گرایی  
سنديکایی، حاضر شده است در روایت  
غلوش خود از مبارزات کارگری چنین  
مکنی را علیه قانونی گرایی سنديکایی  
تجاند؟ علت این امر پنهان کردن

"وادار" کردند) که گویا کارگران کار خوبی کردند. آیا تلاش کارگران برای دعوت از رژیم اسلامی برای دخالت در امور خود کارگران و یا اجازه گرفتن کارگران از رژیم اسلامی برای برگزاری مجمع عمومی و انتخابات را باید "وادار" کردن رژیم اسلامی نامید؟ کارگران رژیم اسلامی را "وادار" کردند تا در جلسه انتخابات حضور بهم رسانند. نشریه راه کارگر روایت میکند "اما ترکیب هیئت مدیره جلید به هیچ وجه مطابق میل رژیم ضد کارگری نبود. بهمین سبب وزارت کار انتخابات نسبت نشناخت." (الته علت

برسمیت شناخته نشلن انتخابات، ترکیب هیئت مدیره نبود و پایین تر توضیح خواهیم داد). اما باید پرسید کارگران چاپ هنگامیکه در حال "وادار" کردن رژیم بودند تا "قدم رنجه" کند و به جلسه انتخابات بیاید، چه انتظاری داشتند؟ کارگران چاپ روی حماقت رژیم حساب باز کرده بودند یا روی توهمند خود؟ واضح است که کارگران مبارز و پیشوپ چاپ توهمنی به رژیم ضد کارگری اسلامی نداشتند. اما مقررات و ضوابط سنتیکا کارگران چاپ (و اکنون پس از ۷ سال نشریه راه کارگر) را وادار به بازی در زمینی میکرد که باخت در آن برای کارگران حتمی است. نشریه راه کارگر، و گرایش محافظه کار، به حکم قاضی اعتراض میکند و گرایش رادیکال آن را "قانع" نمایند.

به وجود خود آن فاصلی . ساییدگان وزارت کار و سرمایه داران صرف نظر از حکم‌شان، "قاضی" صلاحیت نمایندگان کارگران نیستند.

ایجاد تشكل کارگری امر خود کارگران است. از تکرار این امر به ظاهر ساده، تا در عمل تحقق نیافته، نباید خسته شد. کارگران نباید اجازه دهنده تا بورژوازی در اموری که مربوط به خود کارگران است، دخالت کنند. این تنها خود کارگران هستند که باید نمایندگان خود را تائید کنند و نه دیگران. ایجاد تشكل های کارگری احتیاج به اجازه قبلی از دولت و نظارت نمایندگان دولت ندارد. کارگران باید خود راساً تشكل خویش را ایجاد کنند. اینکه بورژوازی تشكل کارگران، که بین شکل ایجاد شود را پنیرد یا پنیرد (که معمولاً نمی پنیرد)، خود موضوع مبارزه ای است بین کارگران و سرمایه داران که قدمتش با نتایج خود تاریخ تشكل های کارگری است. این مبارزه ممکن است مدتی طول بکشد، اما در طول این مبارزه هیچگاه کارگران نباید با دستان خود تشكل خویش را به صرف اینکه بورژوازی آنرا برسیت نشناخته است، منحل کنند. تاریخ مبارزات کارگری در سراسر جهان پر است از تشكل هایی که این چیز تشكیل شنند و خود را به بورژوازی تحمیل کردند. مبارزه برای اینکه بورژوازی تشكل کارگری را برسیت بشناسد امری اصولی و لازم است، اما نه از طریق باز کردن دست دولت و سرمایه داران در امور کارگران. بلکه بالعکس، از طریق دفاع قاطع‌انه از استقلال کارگران در امور مربوط به خودشان، از طریق دفاع یکپارچه و متعدد کارگران از تشكل و نمایندگان

# کارگر امروز

دلیل نیست.

نشریه راه کارگر در سه استدلال دیگر خود چنین جلوه می‌دهد که گویا کارگران چاپ بین دو انتخاب قرار داشتند. یک سندیکای علنی و دیگری سندیکا نداشتن و فعالیت مخفی. بر سر این دو راهی، که نشریه راه کارگر وانمود می‌کند وجود داشته، او طرفی است که می‌گوید: "شایط ایجاب می‌کرد که هنوز یک سندیکای علنی وجود داشته باشد... اگر این را پیشیرم حال چرا باید رفت از وزارت کار اجازه گرفت؟ مگر وجود سندیکای علنی و اجازه نگرفتن از وزارت کار با هم منافات دارد؟ کارگران چاپ در بین دو راهی که نشریه راه کارگر تصویر می‌کند قرار نداشتند. زیرا در موقعیت مشابهی، کارگران چاپ هنگامیکه نماینده وزارت کار در "اواخر سال ۵۹" از نظرت بر انتخابات سندیکا خودداری کرد، بین این دو راهی قرار نگرفتند و سندیکای "۴ ماهه" خود را که علنی هم بود، تشکیل دادند. دو آلتنتاتیو در مقابل کارگران قرار داشت. یکی تشکیل سندیکایی بود که از نظر رژیم اسلامی برسیت شناخته شده و قانونی باشد. تشکیل چنین سندیکایی، کارگران را ملزم می‌ساخت که بروند و از وزارت کار اجازه بگیرند. آلتنتاتیو دیگر این بود که فعالیت سندیکای "۴ ماهه" که قبلا هم از جانب رژیم برسیت شناخته نشده بود، ادامه یابد. انتخاب راه دوم سندیکا را ملزم می‌ساخت که به نیروی کارگران تکیه کند و کارگران را ملزم می‌ساخت که از سندیکا و نمایندگان خود قاطعانه دفاع کنند. همانگونه که در دوران سندیکای "۴ ماهه" بود. واقعیت این است که از دید نشریه راه کارگر، کارگران در زمان سندیکای "۴ ماهه"، "تاپرھیزی" کرده بودند و این بار ناید آنرا تکرار می‌کردند. چرا که به اعتقاد این نشریه، سندیکای علنی باید قانونی هم باشد و در "چهار استدلال" خود، هر کجا از سندیکای علنی نام مبپرد، منظور او سندیکای قانونی است. به همین دلیل اجازه گرفتن از وزارت کار را ضروری میداند. تمام استدلالات این نشریه در توجیه همین امر است. نقل قول زیر این مسئله را بخوبی نشان می‌دهد. آنان (کارگران پیشو و مبارزا) در نظر داشتند خواسته های کارگران را از طریق فعالیت غیر علنی به سندیکای قانونی برد و سندیکا را مجبور به اقتداء کنند. (تاكید از ما)

قانونی گرایی سندیکایی، محافظه کاری و رفمیسمی که این نشریه آنرا نمایندگی می‌کند، سیستم خود را دارد. برای نشریه راه کارگر سندیکای علنی نمیتواند غیر قانونی باشد. برای این نشریه سندیکای قانونی و سندیکای علنی دو نام برای یک نوع تشکیل است. هنگامیکه کارگران سندیکای علنی بخواهند، باید از وزارت کار اجازه بگیرند تا قانونی هم باشد. در صورتیکه تشکل علنی و تشکل قانونی دو مقوله... جداگانه اند. اینکه در مقاطعی ایندو بر هم منطبق می‌گردد تغییری در این مسئله نمی‌دهد. تشکل علنی کارگری میتواند غیر قانونی و

و اتکا به رسمیت نداشتن سندیکا بخشانه صادر کرد و از صاحبان چاپخانه ها خواست تا از قبول نمایندگان سندیکا در چاپخانه ها جلوگیری کنند و از رسیدگی سندیکا به شکایات کارگران مساعده عمل آورند؟ نشریه راه کارگر پس از بیان این عوامل که در دوران همان سندیکای "۴ ماهه" هم وجود داشت، نتیجه میگیرد که "کارگران قادر نبودند در این شایط موقعيتی برای ادامه کار سندیکای "غير قانونی" خود داشته باشد تا فعالیت مخفی بتواند عمق بیشتری پیدا کند و کارگران پیشو و فعالیت خود را در سطح گسترده تری پیش ببرند".

کدام شایط ایجاب میگرد که هنوز قبل از ۳۰ خداد یا بعد از آن؟ آیا خداد کارگران به مبارزه رو در رو با رژیم برخیزند؟ اما مگر یکی از مهمترین دستاوردهای کارگران و سندیکا این نبود که با وجود برسیت شناخته نشدن از جانب وزارت کار و غیر قانونی بودن به فعالیت خود ادامه داد و از طریق فعالیت غیر علنی به سندیکای قانونی برد و سندیکا را مجبور به اقدام حول بگیرد؟ آیا قبل از ۳۰ خداد کارگران پیشو و مبارز "در نظر داشتند خواسته های کارگران را اندک کارگران به مبارزه رو در رو با رژیم برخیزند". اما مگر یکی از مخفی شکل بگیرد؟ آیا قبل از ۳۰ خداد کارگران پیشو و مبارز "در نظر داشتند خواسته های کارگران را اندک کارگران به مبارزه رو در رو با رژیم برخیزند و جبهه شکنند ای را در مقابل رژیم باز بگنند و کارگران در صورت ایجاد چنین جبهه ای رهبران طبیعی خود را از دست میاندازند. در از ۳۰ خداد سال ۶۰ میشود و ربطی به "دشواری" ادامه فعالیت سندیکا به دشواری ایجاد چهار سال باشد. این راه کارگران را مجبور به اقدام حول آن خواسته های نمایندگان را ایجاد کارگران پیشو و مبارزه شکنند ای را در مقابل رژیم باز بگنند و کارگران قابلیکه وجود سندیکای علنی آنان را قادر می‌شوند و بوسیله گیری از امکانات آن با فرست بهتر و بیشتر می‌شوند که استقبال فراوانی از آن بعمل می‌آمد... چند اعتراض در چاپخانه های متوجه می‌شوند و کارگران در رابطه با آنها موضع گیری می‌نمایند. درباره زمانی که هیئت مدیره بعد از غیر قانونی اعلام شدن از جانب وزارت کار تصمیم به برگزاری انتخابات گرفت چنین مینویسد:

"... (وزارت کار) سرانجام از هیئت مدیره خواستند که باید یک هیئت موسس تشکیل دهنند، دو نفر حق امضا داشته باشند و به چاپخانه ها مراجعه کنند و از کارگرانی که مواقع سندیکا هستند با مشخصات کامل مورد ارزیابی قرار دهد. خواسته این امضا بگیرند - آنهم در یک دفتر که مطلب برای آنکه بهتر در جریان بحث اول لازم است به اشتباہ "لپی" نشریه راه کارگر پرداخت. همانطور که قبل از این هیئت میگردند از جمهوری اسلامی به سازمانهای کارگرانی که مراجعت می‌کنند و از کارگرانی که مستقل مبارزات کارگران چاپ را مورد ارزیابی قرار دهد. خواسته این امضا بگیرند - آنهم در یک دفتر که مطلب برای آنکه بهتر در جریان بحث اول چهار استدلال فوق قرار بگیرد باشد. این در آن مقطع یعنی قبل از ۳۰ خداد سال ۶۰ است. سندیکا قبل از فر ریسین روز کارگر سال ۶۰ از جانب وزارت کار غیر قانونی اعلام شد و تصمیم هیئت مدیره ذریباره اقداماتی که باید در دستور کناداشت، قبل از پایان اربیلهشت سال ۶۰ گرفته شد. سندیکای جدید در ادامه کار خود با حادث ۳۰ خداد سال ۶۰ مواجه شد. سندیکا نیز همانند کلیه احزاب و سازمانهای دیگر (متجمله سازمان راه کارگر در آن زمان) باید چیزگونگی ادامه فعالیت خود در شایط دوره قبل می‌توانست بر قدرت کارگرانی متکی شود که این بار وزارت کار را هم "شکفت زده" و هم "وحشت زده" کرده بودند. اما نشریه راه کارگر میگوید: "در هر حال ادامه کار برای سندیکای ۴ ماهه دشوار شده بود". وجود آنکه در بررسی فعالیت سندیکای جدید میتویسد "از سوی دیگر ۳۰ خداد و تبرورها و ... هرگونه فعالیت علنی را دچار مشکل ساخته و شایط آورده باشد. باری مبارزات کارگری بوجود آورده بود" اما در این چهار استدلال دشواری را برای مبارزات کارگری بوجود آیا کارفرمایان چاپ قبل از اعلامیه که هست. اینها همواره آماده غش کردن از آن طرف بام هستند. شک و تردید تاریخی و طبقاتی کارگران به انتخاب کنندگان این راه "آسان" تر بی

شود. اما کسانی که در چنین کارگاههایی کار می‌کنند، بطور حتم بیمار می‌شوند و اینها حتی جزء خواص کار محسوب نمی‌شوند. بیماری کارگران با اسهال، تنگی نفس و حالت آسم گونه شروع می‌شود. سپس گرفتگی عضلات، درد مفاصل و عفونت ریه برای بسیار می‌آید. در جاییکه تولید کنندگان وسائل محترقه و آتش بازی زنان، کودکان و مردان را با مواد بسیار سیم مانند سرب، آرسنیوم، استرอนسیوم و ادار بکار می‌کنند، خسارات وارده به معده، ریه، پوست، اعصاب غیرقابل پیشگیری است.

تربیلی "شیع جادویی" می سازد که حدود ۱۱۰ میلیون قطعه در سال، تنها در آلمان سوزانده میشوند. او از ۵ سال پیش در اینجا کار می کند، او لاغر و شکننده بنظر می رسد. بزودی او دیگر قادر نخواهد بود کارش را بسرعت روزهای اول انجام دهد و این دلیل برای اخراج او کافی است! تربیلی میگوید که او از بخطر افتدان سلامتی اش نگرانی ندارد. "نه، چندان هم وضعم خراب نیست"، ولی ناگهان سرفه های شلیلی او را بلرده در می آورد. او با مشت به سینه های بر亨ه اش میزند و می گوید: "مال سیگار زیاده؟ اما همکاران او بعدها بما گفتند که او اصلا سیگاری نیست! او میگوید: "من خوشبختم که کاری دارم. باین ترتیب همسر و سه فرزنem گرسنه نمیمانند. در تابستان دخترم هم اینجا کار می کند". هنگامی که در شب اول ژانویه ۹۵ فتشه ها سینه آسمان آلمان را می شکافتند، شاید یکی از آنها را دختر تربیلی درست کرده بود. او تنها

\* ۱۱ سال دارد.

ناتخواندهای محسوب می شوند که  
صاحبان کارخانها دوست ندارند اینجا  
میدلایشن بشود. بطريق اولی اصلاً چشم  
دیدن روزنامه نگاران و عکاسان را  
نتنارند. در کلبه اولی زنان روی زمین  
شنب نشسته اند و طرفهای مقوایی و  
کیف کاغذی درست می کنند. در  
کلبه بعدی زنان دیگری پودر سیاه  
باروت را در درون کیف ها پر می  
کنند. در سومی کارگران زن نخ انفحواری  
را داخل ظرف قرار میدهند و مخلوط  
پودر را تکمیل می کنند و در کلبه  
چهارمی هر صد تا از این بسته ها را  
با یک نخ بهم می بندند.

این زنان کارگر باید روزانه ۱۰۰ هزار ترقه تولید کنند. از مزد ساعتی ۱۶ فینیک، چیزی که در آخر ماه بیست آنها می‌رسد، تنها می‌توان یک مرغ و ۶ کیلو برنج خرید. کودکان اینها ۸ فینیک در ساعت می‌گیرند. مثلاً ۲۰ عدد ترقه که در اینجا تولید می‌شود، در آلمان ۱/۱ مارک یعنی یانانه مزد روزانه یک کودک است. در اینجا بلون استثنای این مردم برای کارفرماهایی که از کاست "متازه" هستند، کار می‌کنند. بردگی سنتی هنوز در اینجا چندان تغییری نکرده است. درباره سو رفتار با کارگران، حتی کشته شدن آنها و تجاوز به زنان گزارش کم نیست. مردمی که به پائین ترین لایه جامعه تعلق دارند و باصطلاح از کاست "نجسها" هستند در همه موارد بیلغا معنی باشند.

کار در "کارخانه" بسیار خطروناک است و برای برخی حتی کشنده است. صنعتی کارگر در سالهای گذشته در حوالوی تکار جان خود را از دست دادهند. آمار رسمی وجود ندارد و در اینجا با حوادث محل کار سکوت می-

# سمفونی نور در شب زانویه

نارنجک ها منفجر می شوند، راکت ها یا صدای مخصوص زانی از آتش برنگهای طلایی، سرخ، سبز و آبی بر شهر فرو می رزند. برای دقایقی چند در آسمان آلمان یک سمفونی رنگی اجرا می شود. ۱۵ میلیون مارک دود می شود و به آسمان می رود، دود ۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب همه چیز بپایان می رسد.

از: نشریات چاپ آلمان  
ترجمه: رضا پایا

در "سیواکاسی" ، در جنوب هنلتوستان ساعت ۵/۵ صبح است. تریپلی ، ۳۸ ساله ، در کلبیاش دراز کشیده است. در آنجا مبلی نیست. تنها یک کوزه با ده لیتر آب در گوشای بچشم می خورد. او گفت زمین خوابیده است. در این کلبه که تنها ۸ متر مکعب فضا دارد ، ۵ انسان زندگی میکنند: تریپلی ، کارگر کارخانه ، همسرش و سه فرزنش. آنها همه زیر یک روانداز در کنار هم آرمیدهاند: روز اول ژانویه است و تریپلی می تواند کمی بخوابد. امروز روز یکشنبه است و تنها روزی در هفته است که او مجبور نیست در کارخانه باشد.

آلمانیها سال جدید را با ۱۸ هزار تن مواد آتش بازی شادباش گفتند. تریپلی در تمام این مدت در فکر تهیه مواد منفجره است تا سال آینده هم دوباره با سر و صدا و نور افشاری آغاز شود.

محل کار معمولی:  
کلبه ای با ۶ متر مکعب فضا  
و بخارهای سی

هنگامیکه آلمان سرمست خواب است، تریپلی کار خود را شروع می کند. ساعت ۳ بعد از نیمه شب از خواب بیدار می شود و ساعت ۲/۵ نیمه شب اتوبوس او را به کارخانه ای در ۵ کیلومتری شهر می برد. شیفت کار در ساعت ۴ شروع می شود. محل کار تریپلی، یک کلبه سه در دو است. تریپلی با پای برنه در مقابل یک طرف بزرگ چوبی ایستاده و با تمام نیرو محتویات خیر مانند خاکستری رنگ آنرا که

**موج اعتراضات در استرالیا با دخالت کمیسیون دولتی و پیروزی کارگران خاتمه یافت!**

های کارگری استرالیا تهدید کرد که معادن ذغال سنگ این کشور را خواهد بست و سایر بخش‌های صنعت را نیز به اعتضاب خواهد کشاند. روز بیست نوامبر ۲۰ هزار کارگر ذغال سنگ اعتضاب سراسری را آغاز کردند. بعلاوه با پشتیبانی فدرالیسیون اتحادیه‌های فلز و اتحادیه آموزشی استرالیا اعتضاباتی در اشتراکت نفت، مواد شیمیائی و صنایع و حمل و نقل در دستور قرار گرفت. روز بیست نوامبر باب هوک نخست وزیر سابق استرالیا در مقابل کمیسیون روابط صنعتی استرالیا ظاهر شد تا از جانب اتحادیه‌ها به انجام مذاکرات گمک کند. اما مدیریت گروه معدنی "سی. آر." همچنان بر تصمیم خود مبنی بر قرارداد فردی پاپشاری نمود و اعتضاب ادامه یافت.

بالاخره کمیسیون روابط صنعتی استرالیا که بلند پایه ترین میانجی در اعتضابات است برای جلوگیری از گسترش بیشتر اعتضابات قراردادی را به گروه معدنی تحمیل کرد که براساس آن گروه معدنی "سی. آر." باید تصمیم خود در مورد قرارداد فردی را ملغی کند و به کارگرانی که به خاطر امتناعشان از انعقاد قرارداد فردی دستمزد کمتری دریافت کرده اند، غرامت و اضافه حقوق پرداخت کند.

با این تصمیم که روز ۲۲ نوامبر اعلام شد اتحادیه‌ها نیز تصمیم گرفتند که اعتضابات، ایام باند دهنند. \*

اعتصاب از روز ۱۶ نوامبر با توقف کار توسط باراندازان شروع شد. پس از آن معدنجیان روز ۱۹ نوامبر وارد اعتصاب شدند. اعتصاب معدنجیان به مدت یک هفته ادامه یافت. بعلاوه ۳ هزار کارگر معدن ذغال سنگ "سی. آر. آ." نیز به مدت ۴۸ ساعت کار را متوقف کردند. با پیوستن ۲۰ هزار کارگر ذغال سنگ و حمایت سایر بخشها از کارگران، اعتصاب بعد سراسری بخود گرفت.

اعتصاب با اعتراض کارگران به تلاش مدیریت معدن برای نقض قرارداد جمعی اعمال قراردادهای فردی شروع شد. کارگروه معدنی "سی. آر. آ." تصمیم گرفت که در یکی از معدان‌ها کارگران را به انعقاد قرارداد فردی و دادر کنند. بخشی از کارگران که حاضر نشده بودند به قرارداد فردی تن‌نهند با کاهش دستمزد مواجه شدند. در ادامه این حرکت شورای اتحادیه‌های معدن استرالیا که یک فدراسیون سراسری قدرتمند در برگیرنده چندین اتحادیه بزرگ میباشد با صاحبان معدن وارد مذاکره شد اما این مذاکرات به تبیخ ترسید و زنجیرهای از اعتصابات استرالیا را فرا گرفت. رئوس خواسته‌ای اعتصابیون حق قرارداد جمیعی برای کارگران و دستمزد برابر در ازای کار برابر" بود.

روز ۱۷ نوامبر نخست وزیر استرالیا در مذاکرات دو طرف شرکت کرد تا از

مباردات دارکران صفت چاپ،

و نسل کارگرانی  
است که تشکل کارگران را بدون قید و شرط پیغیرد. اما رفمیسم راه کرنش و باز کردن دست بورژوازی در اموری که تنها بخود کارگران مزبیوط است را در مقابل کارگران میگذارد.  
مبازه برای آنکه دولتهای بورژوازی تشکل های کارگری را برسیت بشناسند، امری اصولی و لازم است. اما گرایشات مختلف هر کدام راههای متفاوتی را برای تحقق این امر پیش پای طبقه کارگر می گذاردند. در مبارزه کارگران

ای ایجاد سندیکا این مستنه بخوبی شهود است گرایشی که متنکی به قدرت، عمل انتقامی و مستقیم کارگران است و ادیکالیسم را نمایندگی میکند و گرایشی، اسیر قید و بندها و قانونی گرایش سندیکایی است و رفرمیسم را نمایندگی میکند. نشریه راه کارگر نه فقط نمیتواند، قانونی گرایی سندیکایی و به پرایمک نم گرایش رفرمیستی و محافظه کار انتقاد کند، بلکه خود در مکتب همین نت به درس آموزی نشسته است. این، ن علت اساسی است که نشان میدهد چرا نشریه راه کارگر به هر آنچه ممکن بود متولسل میشود تا قانونی گرایی سندیکایی از زیر ضرب انتقاد کارگران خارج کند.

از طرف بورژوازی برسیت شناخته نشده باشد. نظیر همان سندیکای "۴ ماهه" کارگران چاپ و یا نظیر "اتحاد شوراهای گیلان" که کارگران برای قانونی کردن و برسیت شناخته شدن آن به "درگاه" وزارت کار متول نشینند. (با وجود آنکه هیچگاه بورژوازی این تشكل را برسیت نشناخت و از نظر رژیم اسلامی قانونی نبود، یعنی صدر با نایندگان اتحاد شوراهای گیلان پر سر بود ویژه رسماً مناکره کرد). اتحادیه همبستگی کارگران لهستان یک نمونه دیگر آن است. در تاریخ مبارزات کارگری اساساً تشكل های کارگری بدلاً ایجاد شده اند و بورژوازی را در یک مبارزه پر فراز و نشیب ناچار کرده اند که آنها را برسیت بشناسند. بسیاری از تشكل های کارگری که امروزه قانونی هستند، قبلاً علی و غیر قانونی بوده اند. اما در حال حاضر برای نشریه راه کارگر که در سطح جهان مواجه با تشكل های علی و قانونی کارگری شده است، علی بودن یک تشكل یعنی قانونی بودن آن، علی بودن یک تشكل توده ای کارگری با غیر قانونی بودن آن مناقص دارد و برای قانونی شدن باید به هر ساز بورژوازی رقصید. بر همین اساس، در نیز این نشیبه، اقدام کارگران

# WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Page 16, Vol 6, NO 56, Desember 1995

صفحه ۱۶، سال ششم، شماره ۵۶، آذر ۱۳۷۴

## به نشریه "خهباتی کریکار" (مبارزه کارگر) کمک مالی کنید.

از روزنامه "خهباتی کریکار" (مبارزه کارگر) شماره ۱، نشریه شورای سراسری کارگران در کردستان به: رفیق رضا مقدم، سردبیر نشریه کارگر امروز تاریخ: ۹۵/۱۰/۵ موضوع: طرح یک مطالبه. با سلام گرم، دستت را بخگرمی من فشاریم. ما اکنون در شورای سراسری کارگران در کردستان مشغول انتشار نشریه ای هستیم به نام "خهباتی کریکار" (مبارزه کارگر)، که تاکنون ۳ شماره آن انتشار یافته است. این نشریه به گواه همه، توانسته است کمودی را که در عرصه روزنامه نگاری کارگری داشتیم، پر کند. اما کمودی امکانات مادی در اوضاع سخت امروز کردستان عراق انتشار مستمر این نشریه را تهدید می کند. ما در ادامه اقداماتی که جهت به دست آوردن امکانات مادی در دستور گذاشته ایم، این فراخوان را می فرستیم تا در نشریه کارگر امروز انتشار دهید.

با سلام مجده  
سلام مارف، سردبیر "خهباتی کریکار"

توضیح: شورای سراسری کارگران کردستان نام جدید فدراسیون سراسری کارگران کردستان است. فدراسیون در مجمع عمومی اخیر خود تصمیم گرفت نام خود را تغییر دهد.

امارات متحده عربی:

## برده داری مدرن

صدها هزار مستخدم خانگی در کشورهای حوزه خلیج فارس در موقعیت برده هستند. این مستخدمین که روزانه ۱۶ ساعت کار میکنند، بحرین، امارات متحده عربی، قطر و کویت ۱۰ میلیون نیروی کار خارجی که اکثر از کشورهای آسیایی هستند، به کار اشتغال دارند. از این تعداد حدود ۱ میلیون نفر در خانه های شیخهای عرب بعنوان مستخدم خانگی کار می کنند.

یکی از قریبیان وضع موجود "سارا بالاباگانز" دختر ۱۶ ساله فیلیپینی است. سارا صاحب کار خود، که به تجاوز کرده بود، را با ضربات چاقو بقتل رساند. اما با وجود گزارشات پژوهشی که صحت ادعای سارا را اثبات می کرد، دادگاه امارات متحده عربی وی را به اعدام محکوم کرد. حکم اعدام سارا پس از اعتراضات وسیع بین المللی بالآخر لغو شد. سارا یکی از ۱۵ هزار زن مستخدمی است که در امارات متحده عربی به کار می کند. سفیر فیلیپین در اینجا بسیار مخاطره آمیز و گاهًا توام با ریسک مرگ است.

Shawad موجود صحت گفته های سفیر فیلیپین را تایید می کند. بطری مثال، در ماه ژوئن - ژوئیه ۲ کار می کند. سفیر فیلیپین (دو سریلانکایی و

## اتحادیه فلز آلمان خواهان کاهش بازهمی بیشتر ساعت کار است!

اصل کاهش بیشتر ساعت کار همچنان در دستور کار این اتحادیه قرار دارد و مبارزه خود برای کم کردن بیشتر زمان کار را همچنان ادامه خواهد داد. اگر متال اعلام کرد که

## آدرس کمیته های همبستگی کارگری

\* کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران - هماینگ کنند: رضا عتمد ICSIW, Box 6278, 102 34 Stockholm, Sweden

\* کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا - هماینگ کنند: معید بهزادی ICLSC, P.O. Box 1228, Snt. O Toronto, Ont. M4T 2P4, Canada

\* کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد - هماینگ کنند: بهزاد بارخانی ISASK, 128 05 Bagis, Sweden

\* کمیته همبستگی با کارگران ایران - انگلستان - هماینگ کنند: اهان کنا ILCS, BM Box 1919, London WC1N 3XX, England

\* کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند - هماینگ کنند: علی فدري Kuovikja 2A2, 103 20 Karaa, Finland

\* کمیته کارگری ایران - آمریکا - هماینگ کنند: علی جوادی P.O.Box 241412, L.A.C.A 900024, USA

\* کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش - هماینگ کنند: مهدی آردی L.A.S, Postfach 570, 1151 Wien, Austria

\* کمیته همبستگی کارگران ایران و فرانسه - هماینگ کنند: نادر بکناش CSOI, Mr. Tary, P.R., 38 Bld. Strasbourg, France

\* کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه - هماینگ کنند: رضا شهرستانی Reza, Box 2020, 136 02 Haninge, Sweden Fax: 46-8-53185272

\* کمیته همبستگی کارگری ایران و آلمان - هماینگ کنند: بیژن بهزادی Postfach 180 468, 60085 Frankfurt M, Germany

\* کمیته همبستگی کارگران ایران و دانمارک S.K.I, Box 1715, 2300 Copenhagen S, Denmark

## پانزده نفر در انفجار معدن سیبری کشته شدند!

تولید ذغال سنگ است که ۳۰۰ هزار کارگر در آن کار میکنند. آخرین برسی بانک جهانی نشان داد که بسیاری از معادن در حال کار این منطقه کهنه و غیر قابل تولید هستند و از اینمی بسیار پائینی برخوردارند.

بشدت انتقاد کرده اند. کارگران معدن پرورومایسکایا در نزدیکی "کمروو" در منطقه کوزیباس سیبری بحرانی اقتصاد روسیه در سالهای اخیر روی داد که حداقل ۱۵ نفر از معدنچیان جان خود را از دست دادند. اتحادیه کارگران معدن میشود رنج صنایع روسیه را شامل میشود رنج سالهای اخیر بارها از افت استاندارد های اینمی در صنعت ذغال سنگ منطقه کوزیباس یکی از مناطق اصلی

روز چهارم سپتامبر انفجاری در معدن پرورومایسکایا در نزدیکی "کمروو" در منطقه کوزیباس سیبری بحرانی اقتصاد روسیه در سالهای اخیر روی داد که حداقل ۱۵ نفر از معدنچیان جان خود را از دست دادند. اتحادیه کارگران معدن میشود رنج سالهای اخیر بارها از افت استاندارد های اینمی در صنعت ذغال سنگ